

فصلنامه ژئوپلیتیک - سال ششم، شماره اول، بهار ۱۳۸۹

صص ۱۱۱ - ۷۵

جمهوری اسلامی ایران و ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی

دکتر الهه کولایی* - دانشیار علوم سیاسی، دانشگاه تهران

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۱۰/۱

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۵/۳

چکیده

دگرگونی‌های عمیق در جغرافیای سیاسی قفقاز جنوبی در پی فروپاشی اتحاد شوروی، موجب ایجاد تحولاتی جدی در ساختار سیاست منطقه‌ای و جهانی شد. جمهوری اسلامی ایران هم با توجه به پیوندهای تاریخی خود با مردم این منطقه و برخورداری از امتیاز همسایگی، همکاری‌های سیاسی-اقتصادی خود را با کشورهای قفقاز جنوبی گسترش بخشید. با استقلال این جمهوری‌ها، منطقه قفقاز در عرصه تماس و تقابل قدرتهای منطقه‌ای و جهانی قرار گرفت. سوال اصلی مقاله این است که «جمهوری اسلامی ایران چگونه از شرایط ناشی از فرصت‌های ژئوپلیتیک ایجاد شده پس از استقلال این کشور، بهره برده است؟» نویسنده با رویکردی توصیفی-تحلیلی به بررسی دگرگونی در روابط ایران با جمهوری‌های قفقاز جنوبی، از دیدگاه عوامل ژئوپلیتیکی موثر بر روابط ایران و کشورهای قفقاز جنوبی می‌پردازد، تا چگونگی استفاده از این ظرفیت‌ها روشن شود.

واژه‌های کلیدی: ایران، آذربایجان، ارمنستان، گرجستان، قفقاز، روسیه، آمریکا، ترکیه، انرژی.

* E-mail: ekoolae@yahoo.com

مقدمه

منطقه قفقاز در مرز میان دو تمدن اسلامی و مسیحی و سه فرهنگ روسی، ترکی و ایرانی قرار گرفته است. این منطقه با مساحتی در حدود یک چهارم مساحت ایران، محل زندگی بیش از ۵۰ گروه قومی و زبانی و پیروان سه دین یهود، اسلام و مسیحیت است. ساموئل هانتینگتون در کتاب برخورد تمدن‌ها، این منطقه را روی خط «برخورد تمدن‌ها» خوانده است (Huntington, 1993). تعارض‌های قومی، نژادی و مذهبی، ساختارهای سیاسی و اقتصادی بر جای مانده از اتحاد شوروی، بی‌ثباتی سیاسی و اجتماعی، ضعف اقتصادی، رژیم حقوقی دریای کاسپین، تروریسم، مواد مخدر و منابع عظیم انرژی از مهمترین زمینه‌ها و عوامل مؤثر در بی‌ثباتی این منطقه هستند (Shahnazaryan, 2006: 17). در حالی که مسیرهای روسیه و ایران به دلیل مخالفت‌های گوناگون آمریکا کنار گذاشته شده، مسیرهای قفقاز برای آمریکا و اروپا اهمیت بسیار یافته است (Global Research, 2006). انرژی و امنیت دو موضوع محوری و مهمی هستند که آینده منطقه قفقاز در روند تحولات مربوط به این دو موضوع شکل می‌گیرد.

یکی از مهمترین ویژگی‌های این منطقه، محصور بودن آن در خشکی (جز گرجستان) و بری بودن آن است. برای جبران این تنگنای اقتصادی، کشورهای قفقاز جنوبی نیازمند تنظیم روابط خود با کشورهای همسایه به‌گونه‌ای هستند که این دشواری را برطرف سازند. موقعیت جغرافیایی و جایگاه ژئوپلیتیک ایران در همسایگی این منطقه، همراه با توانایی‌های سیاسی و اقتصادی، ایران را به یکی از مهمترین بازیگران مناطق خاورمیانه، خلیج فارس، آسیای مرکزی و قفقاز تبدیل کرده است (Barzegar, 2003: 4). با توجه به این مساله که در همه‌ی مناطق جهان و همچنین در این منطقه، ساختار روابط درون منطقه‌ای میان اجزا و دولت‌های نظام منطقه‌ای، تابعی از جایگاه و منزلت جغرافیایی آنها در منطقه و میزان قدرت ملی آنان نسبت به یکدیگر است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۳: ۱۰۴)، شواهد مورد اشاره در این نوشتار نشان می‌دهد که در تنظیم روابط ایران با این کشورها، به الزام‌های ژئوپلیتیکی کمتر توجه شده است.

ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی منطقه

از آنجا که ژئوپلیتیک در معنی عمومی، نقش عوامل جغرافیایی در سیاست خوانده می‌شود، در تحلیل روابط ایران با این کشورها می‌توان آثار این عوامل را به‌خوبی مشاهده کرد. ایران دارای مزیت‌ها و فرصت‌های مناسبی (در قفقاز) براساس عوامل ثابت ژئوپلیتیکی است که بیشتر به عوامل سرزمینی و جغرافیایی مربوط است، اما به درستی به آنها توجه نشده و نمی‌شود (اعظمی، ۱۳۸۴: ۱۹۲). ایران نقش مؤثری در معادله‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی قفقاز جنوبی دارد. قرارگرفتن ایران و جمهوری آذربایجان در کنار دریای کاسپین (احمدی پور، ۱۳۸۴: ۳۷-۵۴) و عضویت دو کشور در سازمان همکاری‌های اقتصادی (اگو) و تأکید بر همکاری‌های منطقه‌ای بویژه در زمینه‌های انرژی، تجارت، حمل و نقل و ارتباطات ظرفیت مناسبی برای تقویت همکاری‌های منطقه‌ای ایجاد کرده است. ارمنستان برای تنوع بخشیدن به مسیرهای دسترسی ایران به سوی اروپا هم اهمیت دارد. گرجستان نیز در تنوع بخشیدن به مسیرهای ارتباطی و مجاری انتقال انرژی از قفقاز اهمیت ویژه ای دارد. منطقه قفقاز که در مسیر دسترسی اروپا به نفت و گاز دریای کاسپین قرار گرفته، در طول سال‌های اخیر از توجه بسیار برخوردار شده است (Williamson, 2006: 11). انتقال این منابع می‌تواند در تأمین امنیت انرژی جهان و رفع دغدغه‌های آمریکا و متحدان آن موثر باشد. مسیر غرب انتقال انرژی از طریق گرجستان و ترکیه با کمک شرکت نفت انگلیس، مورد حمایت کامل آمریکا قرار دارد (Aras, 2002). مسیر انتقال انرژی از طریق گرجستان به بندر جیحان در کنار دریای مدیترانه برای بسیاری از سرمایه‌گذاران بین‌المللی فاقد توجیه اقتصادی بود، ولی آمریکا و ترکیه برای تثبیت این مسیر تلاش بسیار کردند، تا مزایای جغرافیایی ایران را بی‌اثر سازند. آمریکا در برابر مسیرهای ایران و روسیه (Nelán, 1998: 30)، مسیر باکو-تفلیس-جیحان را مورد حمایت جدی خود قرار داد.

رویارویی پایدار ایران و آمریکا و شرایط جغرافیایی منطقه، فرصت بی‌نظیری برای دولت ترکیه فراهم کرده تا یک طرح غیراقتصادی و در اصل سیاسی را به نفع خود پیش‌برد. اجرای استراتژی چندمسیری برای انتقال انرژی از حوزه‌ی دریای کاسپین مورد تأکید آمریکا بود، تا در

حد امکان آسیب‌پذیری آن را در برابر هر یک از مسیرها کاهش دهد (کولایی، ۱۳۸۷: ۷۰-۴۷). تأمین امنیت مسیر انتقال انرژی از غرب دریای کاسپین، فرصتی برای رهبران آذربایجان و گرجستان فراهم کرد تا منافع خود را دنبال کنند. بویژه گرجستان که پس از انقلاب گل سرخ سال ۲۰۰۳ (امیراحمدیان، ۱۳۸۴: ۹۸-۴۹) نگران اقدامات روسیه بوده، تا سیاست‌های مداخله‌گرایانه‌ی تخریبی از نوع آنچه در مورد آبخازیا اتفاق افتاد، تکرار نشود. جنگ اوستیای جنوبی در ماه اوت سال ۲۰۰۸ نشان داد، این نگرانی زمینه‌های جدی داشته است. خلاء ژئوپلیتیکی ایجاد شده پس از تجزیه اتحاد شوروی در قفقاز با تشدید رقابت‌هایی همراه شد که یادآور «بازی بزرگ» است (کولائی، ۱۳۸۴: ۳۲-۱۲). با توجه به همجواری ایران و روسیه با این منطقه، آمریکا به روشنی‌گونه‌ای از سیاست مهار دوگانه را علیه هر دو کشور به اجرا گذاشته است.

در این مقاله با توجه به ژئوپلیتیک دگرگون شده قفقاز پس از فروپاشی اتحاد شوروی، روابط ج.ا. ایران با این کشورها در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بررسی می‌شود. به دلیل آنکه از جدایی قفقاز جنوبی از ایران حتی دو قرن هم نمی‌گذرد، بستر اجتماعی و فرهنگی بازمانده از نفوذ عمیق و وسیع تمدن ایرانی-اسلامی در این منطقه همچنان فرصت بی‌همتایی برای ایران ایجاد کرده که به درستی مورد بهره‌برداری قرار نگرفته است. فروپاشی اتحاد شوروی و استقلال اهدا شده به این کشورها (کولایی، ۱۳۷۶: فصل اول) بر گستره فرصت‌های پیشین افزود. شرایط سیاسی ایجاد شده پس از فروپاشی به شکل‌گیری «بازی بزرگ» در قفقاز جنوبی دامن زد. رقابت‌های بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی به‌عنوان عوامل اثرگذار بر روابط ج.ا. ایران با این کشورها، به‌عنوان متغیر مستقل بررسی شده است تا روند شکل‌گیری این روابط به‌عنوان متغیر وابسته تبیین شود. فرضیه نگارنده این است که «بازی بزرگ جدید» در قفقاز، امکان بهره‌مندی ایران از فرصت‌های ژئوپلیتیک ایجاد شده پس از فروپاشی اتحاد شوروی را محدود ساخته است. در این نوشتار مرور کلی در فراز و نشیب روابط ایران با کشورهای قفقاز جنوبی انجام شده است. به این منظور با بررسی روند تحولات در روابط ایران با این کشورها در روزنامه‌ها و پژوهش‌های اندک در این زمینه، نویسنده کوشیده فرضیه خود را به اثبات برساند. با در نظر گرفتن این واقعیت که به موضوع این مقاله،

در شکل کنونی جامع و همه‌جانبه‌ی آن، بویژه در ادبیات سیاسی موجود در کشور، کمتر پرداخته شده، یا اصلاً پرداخته نشده، هدف نویسنده کمک به ایجاد و باز کردن راهی برای مطالعه و بررسی روابط ایران، با همسایگان شمالی، بویژه در منطقه بسیار مهم قفقاز، از منظر تأثیر عوامل جغرافیایی بر این روابط و اعتنا به آن بوده است.

دگرگونی ژئوپلیتیک قدرت در قفقاز

پس از فروپاشی اتحاد شوروی، با توجه به سیطره‌ی نگرش غرب‌گرایی در مسکو، زمینه برای گسترش فعالیت کشورهای همسایه در قفقاز جنوبی از یک سو و بازیگران فرامنطقه‌ای از سوی دیگر در مرزهای شمالی ایران فراهم شد. خلاء ژئوپلیتیکی ناشی از فروپاشی اتحاد شوروی، شرایط را برای شکل‌گیری «بازی بزرگ» مهیا ساخت. غرب گرایان روسیه در پرتو اندیشه‌های اروپایی، با پذیرش حق حاکمیت مستقل همه اعضای پیشین اتحاد جماهیر شوروی، حساسیت‌های امنیتی روسیه نسبت به فعالیت بازیگران گوناگون در منطقه را کنار گذاشتند (کولایی، ۱۳۸۵: ۹۹-۱۲۰). با افزایش نفوذ اوراسیاگرایان در سیاست خارجی روسیه که بر ژئوپلیتیک این کشور تأکید دارند، به تدریج، حساسیت‌ها نسبت به نقش و نفوذ بازیگران خارجی در جمهوری‌های پیشین اتحاد شوروی شدت یافت (Tchantoudze, 2008: 2-3) این دگرگونی در شرایطی شکل‌گرفت که برای آمریکا، بازداشتن روسیه از احیای قدرت خود در «خارج نزدیک» در شرایط جدید، به استراتژی این کشور تبدیل شد. به این ترتیب در پایان جنگ سرد تحول سریع در رویکرد امنیتی روسیه در قفقاز، سبب ایجاد فضای امنیتی متفاوتی با دوران اتحاد شوروی شد، که به نوبه خود برای ایران نیز امکانات جدیدی برای تنظیم روابطش با این منطقه فراهم کرد. ترکیه نیز کوشید با تمرکز بر ایده پان‌ترکیسم، از وضعیت ایجاد شده بهره گیرد.

روسیه پس از فروپاشی اتحاد شوروی، جمهوری‌های قفقاز جنوبی را به عنوان منطقه نفوذ خود که منافع حیاتی در آن دارد، برآورد کرده است. مقام‌های روسی حضور خود در خارج نزدیک را به نقش و جایگاه ایالات متحده در منطقه آمریکای مرکزی تشبیه کرده و از نوعی آیین «مونروئه روسی» سخن گفتند، در حالی که آمریکا به روشنی سیاست خود را بازداشتن

روسیه از احیای نفوذ آن در منطقه قرار داده است (امیراحمدیان، ۱۳۸۸: ۷۹-۸۲). روسیه به‌عنوان وارث اتحاد شوروی، الگوی رفتاری همیشگی تاریخ روسیه را در قفقاز به نمایش گذاشته است. این منطقه که از دیرباز سکونتگاه گروه‌های مختلف قومی و مذهبی بوده، پس از فروپاشی اتحاد شوروی به عرصه‌ی ظهور و تقویت گرایش‌های ملی‌گرایانه و تشدید منازعات منطقه‌ای تبدیل شد. قفقاز در مقایسه با آسیای مرکزی (به استثنای قزاقستان) برای روسیه اولویت بیشتری دارد (Luonev, 2006: 14) روسیه به روشنی به آذری‌ها نشان داده که در صورت حل و فصل مسائل حوزه انرژی میان دو کشور، حمایت خود از ارمنستان را کاهش می‌دهد. در صورت توافق اصولی باکو و مسکو پیرامون رژیم حقوقی و بهره‌برداری از انرژی دریای کاسپین، حمایت روسیه از آذری‌ها در بحران قره‌باغ دور از انتظار نخواهد بود. انتظار می‌رفت پس از حوادث ۱۱ سپتامبر و اشغال عراق و دسترسی غرب به منابع نفتی آن، اهمیت انرژی دریای کاسپین کاهش پیدا کند، ولی به زودی و با افزایش شدید بهای نفت، منابع انرژی این دریاچه اهمیت خود را باز یافت (Kandiyoti, 2008: 75-93).

ج.۱. ایران و ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی قفقاز

بسیاری از تحلیلگران، سیاست خارجی ایران در حوزه قفقاز را مانند دیگر حوزه‌های رفتاری آن، در مرحله نخست آرمان‌گرایانه ارزیابی می‌کنند (سجادپور، ۱۳۸۱: ۸) این رویکرد در نخستین سال‌های پس از فروپاشی اتحاد شوروی، نه تنها درباره سیاست خارجی ایران در قفقاز و آسیای مرکزی، بلکه در سراسر جمهوری‌های بازمانده از فروپاشی اتحاد شوروی و همه بازیگران حوزه اوراسیای مرکزی و حتی در آمریکا نیز حاکم بود. در واقع گونه‌ای از رومان‌تیک‌گرایی سیاسی، در جهان پس از جنگ سرد حاکم بود، که در رویارویی با واقعیت‌های پس از آن، در مسیر دگرگونی قرار گرفت. هم رهبران روسیه و هم رهبران آمریکا به‌زودی دریافتند، واقعیت‌های ژئوپلیتیکی قابل انکار نیستند و باید برای تأمین منافع خود آنها را به حساب آورند. برخلاف رویکرد ابتدایی، به زودی در سیاست خارجی ایران، در مناطقی که در گذشته بخش‌هایی از اتحاد شوروی را تشکیل می‌دادند، توجه به ژئوپلیتیک قفقاز افزایش یافت.

با توجه به روند مورد اشاره، می‌توان از تحول دیگری نیز سخن گفت و آن اهمیت رویکردهای فرهنگی در سیاست خارجی ایران است. تحلیل سیاست خارجی ایران در چارچوب نظریه‌ی سازه‌گرایی یا برساخته‌گرایی نیز از هواداران بسیار برخوردار است. بر مبنای این نظریه، تنظیم روابط کشورها با یکدیگر بر اساس هویت آنها و مولفه‌های فرهنگی است. الکساندر ونت با تغییرهایی در این نظریه، آن را بر پایه ساختار و کارگزار استوار ساخت، که کنش‌های میان سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی مورد تأکید قرار دارد. در این مکتب، علم نه تنها ابزاری برای شناخت جهان، که برای ساختن آن برآورد می‌شود (بشیر، ۱۳۸۶: ۱۷۹). ایران دارای میراث عظیم ایرانی-اسلامی در سراسر اوراسیای مرکزی و قفقاز است، اما به دلیل تأثیر شدید معادله‌های قدرت و پیامدهای بازی بزرگ از یک سو و کم‌توجهی‌های ساختاری نسبت به این کشورها در سیاست خارجی ایران، در سال‌های پس از استقلال آنها از سوی دیگر، از این دارایی‌های اجتماعی-فرهنگی کمتر بهره برده شده است.

ایران که بی‌ثباتی در قفقاز جنوبی را تهدیدی علیه امنیت ملی خود می‌داند (Sadegh Zadeh, 2008:35-41) با شرکت در طرح‌های میانجی‌گرایانه در بحران‌ها، برای تحکیم ثبات و امنیت منطقه نقش ایفا کرده است. تلاش در جهت حل بحران قره‌باغ، نمونه روشنی از این سیاست و در جهت استقرار امنیت و ثبات در منطقه است. تأکید بر راه‌حل‌های منطقه‌ای، رویکرد اصلی سیاست خارجی ایران در قفقاز جنوبی بوده است (A Middle East Program Report, 2006). ایران در حوزه‌ی دریای کاسپین، در تلاش برای جلوگیری از بروز تنش در روابط با جمهوری آذربایجان بوده است. اختلاف‌های دو کشور در حوزه انرژی و انتقال آن و نیز مسائل حقوقی دریای کاسپین چشم‌انداز روابط آن دو را با ابهام‌هایی روبرو ساخته است. سیاست نزدیکی آذربایجان به آمریکا و اسرائیل، آثار مستقیم منفی بر روابط این کشور با ایران را در بر داشته است. اما روابط با ارمنستان با ثبات و پایدار بوده است. نزدیکی ارمنستان و ایران به روسیه این پایداری را تقویت کرده است. روابط ایران با گرجستان، به این دلیل که در مسیر انتقال انرژی به اروپا قرار گرفته، بسیار اهمیت دارد. ساختن خط لوله‌های انتقال نفت و گاز از این مسیر، امکان تحقق یافتن پیدا کرد. حمله‌ی روسیه به استان خودمختار اوستیای جنوبی در اوت ۲۰۰۸ را می‌توان اقدامی برای گوشمالی دولت گرجستان در ایفای این نقش می‌توان ارزیابی کرد.

جنگ و تنش در گرجستان با منافع امنیتی ایران سازگار نیست. با این حال منافع روسیه در حوزه دریای کاسپین، چه در مورد راه‌های انتقال انرژی و چه در چگونگی بهره‌برداری از منابع این دریا، در تقابل آشکار با منافع حیاتی ایران است (Natural Gas Export Options, 2002). اما تعامل ایران و روسیه در «خارج نزدیک» - که قفقاز جنوبی هم بخشی از آن است - بر اساس رویکردهای بین‌المللی سیاست خارجی هر دو کشور، بویژه در چارچوب روابط با آمریکا شکل گرفته است.

کشورهای اروپایی نگران از افزایش تنش‌های ناشی از بحران در قره‌باغ کوهستانی، به تلاش برای ایجاد صلح و آرامش در این منطقه پرداختند (Simao & Freire, 2008). تلاش‌های ایران به منظور تحکیم موقعیت خود به‌عنوان یک بازیگر فعال و رویارویی با طرح‌های آمریکا برای منزوی ساختن آن مواجهه بوده است. به هر حال با تشدید فشارهای آمریکا، این تلاش‌ها چندان نتیجه بخش نبوده است. سیاست خارجی ایران و روابط آن با جمهوری‌های قفقاز جنوبی، تحت تأثیر شدید جهت‌گیری‌ها و سیاست‌های بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوده است. رقابت میان کشورهای قفقاز و پیرامون آن تحت تأثیر نفوذ بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است. عوامل جغرافیایی مؤثر بر روابط ایران با کشورهای قفقاز جنوبی نشان می‌دهد، این روابط ظرفیت انتقال به سطح استراتژیک را دارد.

۱- روابط ایران و ارمنستان

روابط ایران و ارمنستان، تحت تأثیر ایجاد محور تهران-مسکو-ایروان، بیشتر سیاسی-اقتصادی و کمتر فرهنگی بوده است. برنامه‌ی انتقال از اقتصاد متمرکز به اقتصاد بازاری مشکلات زیادی را در این کشور موجب شد. ارمنستان هم مانند بسیاری از جمهوری‌های آسیای مرکزی و جمهوری آذربایجان، به دریای آزاد راه ندارد. این ظرفیت ژئوپلیتیکی در روابط ایران با این کشور به خوبی مورد توجه قرار گرفته است. موقعیت جغرافیایی ارمنستان در دسترسی به کشورهای اروپایی، مناقشه قره‌باغ، محاصره این کشور توسط جمهوری آذربایجان و نبود مرز مشترک با روسیه و موقعیت خاص ایران در منطقه سبب شده روابط دو کشور به‌گونه‌ای مداوم توسعه یابد. ایران با قراردادن در سواحل جنوبی دریای کاسپین و

سواحل شمالی خلیج فارس و دریای عمان، برای ارتباط ارمنستان با بازارهای جهانی جایگاه مهمی دارد. موقعیت جغرافیایی ارمنستان نیز می‌تواند در حمل و نقل ایران و اروپا سهم عمده‌ای ایفا کند. تداوم بحران قره‌باغ و ادامه‌ی حضور نیروهای نظامی روسیه در ارمنستان، امکان برقراری روابط مناسب با جمهوری آذربایجان و نیز ترکیه را که از مواضع آذربایجان دفاع می‌کند، از بین برده است، هرچند تغییر در روابط ارمنستان و ترکیه می‌تواند بر این معادله آثار فوری داشته باشد (Hurreit, Daily News, 2009). مهمترین هدف ارمنستان حل بحران قره‌باغ به‌گونه‌ای است که امنیت همه‌جانبه‌ی ارامنه قره‌باغ تأمین شود (Laitin & Suny, 1999: 12)

امکانات و نیازهای ارمنستان در زمینه‌های انرژی، حمل و نقل، صنایع و معادن، نیروی کار ارزان، تخصص و تکنولوژی در ساخت مصنوعات از یک سو و موقعیت مناسب ایران و تخصص و تجربه آن در بهره‌برداری از معادن، برخورداری از تکنولوژی روز برای تولید برخی کالاها و منابع غنی انرژی از سوی دیگر، ظرفیت‌های مطلوب دو کشور جهت گسترش همکاری‌های اقتصادی است. مزیت نسبی ارمنستان در برخی صنایع بویژه صنایع مرتبط با مواد معدنی و صنایع سبک، امکان گسترش مبادلات با ایران را افزایش داده است. ایجاد گذرگاه مرزی، حذف محدودیت‌های ترانزیت و ویزا برای رانندگان، مسافران، تجار و ایجاد اتاق بازرگانی مشترک سبب رشد روابط تجاری دو کشور شده است. امکانات بهره‌برداری از توانایی علمی این کشور هم قابل توجه است. روابط فرهنگی ایرانیان و ارامنه ریشه‌های عمیقی دارد چنانکه شاهنامه‌ی فردوسی تأثیر شگرفی بر حماسه‌های ملی و شاعران ارمنی داشته است (Lounev, 1925).

الف- روابط سیاسی

بحران قره‌باغ و درخواست ارمنستان از ایران جهت حل این بحران با استفاده از نفوذ خود در منطقه، زمینه ساز توسعه‌ی روابط سیاسی ایران و ارمنستان پس از فروپاشی اتحاد شوروی بود (Behrooz, 1992: 29). در بهمن ۱۳۷۰ ارمنستان از ایران خواست با استفاده از نفوذ خود برای حل مسأله‌ی قره‌باغ اقدام کند (اطلاعات، ۲۰/۱۱/۱۳۷۰: ۳). ایران خواستار عقب‌نشینی فوری نیروهای ارمنی از مناطق اشغالی آذربایجان شد و هشدار داد که نمی‌تواند نسبت به

تجاوز نیروهای ارمنی و افزایش ناآرامی در جوار مرزهای ساکت بماند (اطلاعات، ۱۳۷۲/۶/۱۶: ۳). با فعالیت کشورهای غربی در این درگیری، حضور ایران در روند حل و فصل این بحران کم‌رنگ شد. تریپتروسیان، رئیس جمهور پیشین ارمنستان بر رویکردی مصالحه‌آمیز تأکید داشت اما جدایی خواهان قره‌باغ آن را رد کردند. دولت روبرت کوچاریان با قاطعیت اعلام داشت که باید مذاکرات صلح آذری‌ها به صورت مستقیم با رهبری قره‌باغ انجام شود. این رویکرد موجب شد ورود قدرت‌های خارجی به صف بندی‌های امنیتی در منطقه تسهیل شود. از نظر ارمنی‌ها، موضوع نفت و تقاضای بین‌المللی برای انرژی خزر دلیلی برای انعطاف ناپذیری آذری‌ها و طفره رفتن آنها از مذاکرات جدی بود.

در پی سفر وزیر دفاع ایران به ارمنستان در آبان ۱۳۸۶، احتمال همکاری نظامی ایران و ارمنستان قوت گرفت. سفر وزیر دفاع ایران به ارمنستان و سخنان وی و همتای ارمنی‌اش مبنی بر «امکان اجرای طرح‌های مشترک نظامی»، نشانه‌ی ورود ایران و ارمنستان به مرحله همکاری‌های نظامی برآورد شد. ایالات متحده آمریکا نیز که همواره نسبت به روابط ایران و ارمنستان حساس بود، تصمیم گرفت علیه چند شرکت از جمله یک شرکت ارمنی تحریم‌هایی را به دلیل تحویل موادی با کاربرد دوگانه به ایران اعمال کند، اما وزیر امور خارجه ارمنستان گفت: «ارمنستان هیچ دلیلی برای تجدید نظر در روابط خود با ایران نمی‌بیند» (نوروز، ۱۳۸۱/۲/۲۹: ۶). ارمنستان برخلاف آذربایجان، در پرتو روابط گسترده با روسیه، در برابر فشارهای آمریکا برای فاصله گرفتن از ایران مقاومت کرده است. آمریکا هم با همکاری ارمنستان با ایران در عرصه‌ی گاز و نفت مخالفت کرد. ارمنستان در موضوع پرونده هسته‌ای، با تأکید بر حق ایران برای فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز و حل مسالمت‌آمیز مسأله هسته‌ای ایران و عدم اعمال تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران تأکید داشته است (Press TV, 2009). در سفر محمد خاتمی به ارمنستان در شهریور ۱۳۸۳ معاهده اساسی روابط بین دو کشور به امضای رؤسای جمهور ایران و ارمنستان رسید (همشهری، ۱۳۸۳/۶/۱۹: ۱۲). حمایت ارمنستان از ایران، پس از سخنان محمود احمدی‌نژاد درباره هولوکاست هم ادامه یافت (شرق، ۱۳۸۴/۸/۱۶). هر دو کشور ضرورت‌های ژئوپلیتیکی گسترش روابط خود را غیرقابل چشم‌پوشی یافته‌اند.

ب- همکاری‌های اقتصادی

روابط اقتصادی ایران و ارمنستان در چهار حوزه‌ی گاز، برق، تجارت و صنعت شکل گرفت. صدور گاز ایران به ارمنستان محور اصلی روابط اقتصادی دو کشور است که اهمیت استراتژیک دارد (Grigirin, 2007). زیرا از یک سو امنیت انرژی ارمنستان را تأمین می‌کند و از سوی دیگر امکان انتقال گاز ایران به اروپا را فراهم می‌سازد. ساخت خط لوله‌ی گاز ایران به ارمنستان نیز برای ایروان اهمیت بسیار داشته (Vartanian, 2005) زیرا گاز طبیعی مصرفی ارمنستان را تأمین می‌کند (اطلاعات، ۱۳۷۷/۵/۲۴: ۴). طرح ساخت خط لوله گاز، ارمنستان را به یکی از صادرکنندگان برق در منطقه قفقاز تبدیل می‌کند (Krasinskaya, 2007) و سبب «افزایش امنیت انرژی ارمنستان» و رشد اقتصادی این کشور می‌شود (اطلاعات، ۱۳۸۳/۴/۲). همکاری ایران و ارمنستان در عرضه برق را می‌توان در سه محور برق‌رسانی ایران به ارمنستان، تأسیس نیروگاه‌های برق و همکاری سه‌جانبه ایران، ارمنستان و گرجستان خلاصه کرد (Panfilova, 2006). صدور برق ایران به ارمنستان می‌تواند زمینه جلب گرجستان برای ایجاد یک همکاری منطقه‌ای را فراهم سازد (اطلاعات، ۱۳۷۶/۵/۲۲: ۴).

حجم روابط تجاری در میان آذربایجان شرقی، مازندران، کرمان و اصفهان با ارمنستان بیش از سایر استان‌ها بوده است. بازرگانان ایرانی یکی از بزرگ‌ترین گروه‌های تشکیل‌دهنده شرکت‌های مشترک اقتصادی در ارمنستان هستند. بیشتر این شرکت‌ها در امور خرید فروش کالا، انرژی، حمل و نقل، ساختمان و ارتباطات کار می‌کنند (ابزار، ۱۳۷۶/۱/۱۷: ۴). در بهمن ۱۳۸۴ وزیر امور اقتصادی و دارایی ایران در مورد صادرات ایران به ارمنستان گفت میزان صادرات نسبت به سال ۱۳۸۲ از رشد ۵۰ درصدی برخوردار بوده است (شرق، ۱۳۸۴/۱۱/۱۲: ۴). در سال ۱۳۸۵ نیز حجم روابط تجاری ایران و ارمنستان، نسبت به سال قبل ۱۰ میلیون دلار افزایش داشت.

در حوزه‌ی صنعت، ایران و ارمنستان همکاری‌های دو جانبه و چندجانبه داشته‌اند. در زمینه‌ی همکاری‌های چندجانبه، در آذر ۱۳۷۵ ایران، ارمنستان گرجستان و یونان سند همکاری‌های چهارجانبه اقتصادی امضا کردند که یکی از محورهای آن در زمینه صنعت

بود (اطلاعات، ۱۳۷۵/۹/۱۵: ۲). در زمینه همکاری‌های دو جانبه نیز در دی ۱۳۷۵ دو توافقنامه همکاری در زمینه‌های داروسازی و معدن و نیز سند همکاری‌های پتروشیمی بین دو کشور به امضا رسید. در مهر ۱۳۷۷ نیز اعلام شد «براساس قراردادهای امضا شده، ایران موظف است با بهره‌گیری از دانش فنی خود یک خط تولید وانت نیسان توسط شرکت سایپا در ارمنستان راه‌اندازی کند» (اطلاعات، ۱۳۷۷/۷/۱۶: ۴). برگزاری نمایشگاه‌های مشترک یکی دیگر از جنبه‌های اصلی همکاری‌های صنعتی دوجانبه ایران و ارمنستان بوده است.

روابط ایران و ارمنستان در حوزه‌ی ارتباطات و حمل و نقل برای هر دو کشور دارای اهمیت بوده است. ارمنستان مانند گرجستان در مسیر ارتباط ایران با اروپا قرار دارد. پل ارتباطی «نوردوز» در دی ۱۳۷۴ میان ایران و ارمنستان به بهره‌برداری رسید (اطلاعات، ۱۳۷۴/۱۰/۲۰: ۳). راه‌آهن ایران نیز برای ارمنستان اهمیت بسیار دارد. در فروردین ۱۳۸۲ سفیر ارمنستان در قزاقستان اعلام کرد در صورت استفاده از راه‌آهن تهران-آلماتی، حجم صدور کالا از ارمنستان به قزاقستان به مقدار زیادی افزایش خواهد یافت (اطلاعات، ۱۳۸۲/۱/۲۵: ۱۹). همچنین دو سند همکاری بین دو کشور در مورد فعالیت‌های بانکی و نیز سند سرمایه‌گذاری دو کشور از طریق آژانس توسعه اقتصادی در ارمنستان و سازمان توسعه سرمایه‌گذاری‌های فنی و اقتصادی ایران امضا شد.

ب- روابط فرهنگی

روابط فرهنگی دو کشور بسیار پراکنده و فاقد انسجام و طرح کلی بوده است. کارشناسان سازمان میراث فرهنگی ایران قدیمی‌ترین مسجد شهر ایروان را بازسازی و مرمت کردند. در ۱۳۸۱ وزرای علوم دو کشور با امضای تفاهم‌نامه‌ای خواستار گسترش همکاری‌های فرهنگی و هنری شدند (اطلاعات، ۱۳۸۱/۹/۲۱: ۲). در سال ۱۳۸۴ اعلام شد: ایران از کشورهایی است که بودجه‌ی سالانه برای بازسازی کلیساها در نظر گرفته است. دولت ایران در سال ۱۳۸۴ پانصد میلیون تومان بودجه برای بازسازی دو کلیسا در ایران اختصاص داد (اطلاعات، ۱۳۸۴/۶/۲۰: ۴).

۲- روابط ایران و آذربایجان

جمهوری آذربایجان ادامه جغرافیایی استان‌های آذربایجان ایران است (مجته‌زاده، ۱۳۷۹: ۴۰۳)، ولی با وجود پیوندهای فرهنگی و مذهبی، روابط ایران با این کشور هیچ‌گاه مطلوب و دوستانه نبوده است. روابط سیاسی این دو کشور همواره تحت تأثیر پیوند استراتژیک جمهوری آذربایجان با ایالات متحده آمریکا، ترکیه (و اسرائیل) و نیز اختلاف در مورد رژیم حقوقی دریای مازندران قرار داشته است. بدون تردید یکی از موانع اصلی گسترش روابط اقتصادی ایران و آذربایجان را باید در روابط سیاسی دو کشور جستجو کرد. هم‌زمانی مردم جمهوری آذربایجان با بخشی از مردم ایران که در سرشت خود منفی نیست، به دلیل برخی تنش‌ها میان دو کشور، نقش منفی آمریکا و اسرائیل و نیز فعالیت جریان‌های تجزیه‌طلب در ایران، به جای اثرگذاری مثبت در روابط دو کشور، نقش منفی ایفا کرده است.

الف- روابط سیاسی

از مسائل مهم در روابط سیاسی ایران و آذربایجان دخالت آمریکا، تلاش ایران برای حل و فصل بحران قره‌باغ، مسایل مربوط به دریای کاسپین، ادعاهای مربوط به تمامیت ارضی، مسائل مرزی و نیز نقش آذربایجان در پرونده هسته‌ای ایران است. دولت آذربایجان ابتدا از پیوستن ایران به کنسرسیوم باکو برای بهره‌برداری از نفت دریای کاسپین حمایت کرد و پذیرفت یک چهارم از سهام ۲۰ درصدی خود در این کنسرسیوم را به ایران واگذار کند (اطلاعات، ۱۳۷۳/۱۱/۱۱: ۲)، ولی به زودی آشکار شد دخالت آمریکا مانع پذیرش رسمی عضویت ایران در کنسرسیوم نفت آذربایجان شده است (Cornel, 1998: 58). شرکت‌های آمریکایی که ۴۰ درصد سهام این پروژه را در اختیار داشتند، با حضور ایران در کنسرسیوم نفت آذربایجان مخالفت نکردند، ولی دولت آمریکا با فشارهای خود آنها را مجبور کرد ایران را در آن نپذیرند (اطلاعات، ۱۳۷۳/۱۲/۱۴: ۱۶). ناطق علی‌اف، رئیس شرکت دولتی نفت آذربایجان در فروردین ۱۳۷۴، مشارکت ایران در کنسرسیوم باکو را به دلیل مخالفت شرکت‌های آمریکایی منتفی اعلام کرد (اطلاعات، ۱۳۷۴/۱/۲۱: ۴). وزیر امور خارجه ایران نیز در واکنش، لغو قرارداد نفتی ایران و آذربایجان را خلاف تعهد

باکو خواند و گفت تا هنگامی که وضع حقوقی دریای کاسپین مشخص نشود، این نوع قراردادها اعتبار زیادی ندارند (اطلاعات، ۱۳۷۴/۱/۲۱: ۳). براساس برخی گزارش‌ها وارن کریستوفر، وزیر امور خارجه وقت ایالات متحده به حیدر علی‌اف توصیه کرده بود، شرکت آمریکایی «اکسون» را جایگزین شرکت ملی نفت ایران کند (Fayyazmanesh, 2009).

این موضوع بر روابط دو کشور آثار نامطلوبی برجای نهاد، ولی حیدر علی‌اف کوشید روابط ایران و آذربایجان را با تمرکز بر منافع اقتصادی گسترش بخشد. او گفت: بهبود روابط ایران و آمریکا می‌تواند در آینده، تسهیلاتی را برای صدور نفت آذربایجان به بازارهای جهانی فراهم سازد (ابرار، ۱۳۷۶/۷/۱۴: ۱۲). همکاری نظامی آمریکا با آذربایجان، احتمال استفاده آمریکا از خاک آن کشور برای حمله به ایران و حساسیت ایران نسبت به روابط نظامی آنها از دیگر آثار نفوذ آمریکا در روابط سیاسی ایران و آذربایجان بوده است (Uonosov, 2007: 3). وزیر امور خارجه آذربایجان هرگونه توافق آذربایجان با وزارت دفاع آمریکا برای استفاده از خاک این کشور، جهت اقدام نظامی علیه ایران را تکذیب کرد (Athanasiadis, 2006). پس از آن اعلام شد نیروی دریایی ایالات متحده آمریکا با نیروی دریایی آذربایجان در دریای کاسپین مانور مشترک برگزار می‌کند. به گزارش خبرگزاری فرانسه، این مانور با بخشی از کمک‌های مالی ۴/۴ میلیون دلاری آمریکا به آذربایجان و با هدف بهبود امنیت دریایی این جمهوری انجام شد.

در هر حال وزیر دفاع آذربایجان گزارش برخی رسانه‌ها درباره احتمال استقرار نیروهای نظامی آمریکایی در خاک جمهوری آذربایجان و نصب تجهیزات شنود در منطقه مرزی این کشور با ایران را کذب محض خواند (مردمسالاری، ۱۳۸۳/۸/۱۳: ۱۶). الهام علی‌اف با اشاره به اینکه توافقنامه امضا شده میان ایران و آذربایجان، اجازه نمی‌دهد که از سرزمین هر یک برای اقدام علیه طرف دیگر استفاده شود، تأکید کرد اجازه نمی‌دهد از خاک کشورش برای اقدام نظامی آمریکا علیه ایران استفاده شود (آفتاب یزد، ۱۳۸۵/۲/۷: ۱۱). در پرتو ژئوپلیتیک قدرت در منطقه، به دنبال فروپاشی اتحاد شوروی، در پی رواج گسترده شایعات مربوط به حمله آمریکا به ایران از خاک آذربایجان، سفیر آمریکا در باکو، در حمایت از آذربایجان گفت: اگر ایران به جمهوری آذربایجان حمله کند، آمریکا برای دفاع از جمهوری آذربایجان آمادگی دارد. میانجی‌گری ایران جهت حل و فصل بحران قره‌باغ پس از استقلال جمهوری آذربایجان آغاز

شد (Bahar Baser, 2009)، اما به تدریج با نزدیک شدن جمهوری آذربایجان به آمریکا و ترکیه و نارضایتی این کشور از روابط ایران و ارمنستان، نقش ایران نیز در حل و فصل بحران قره‌باغ کم‌رنگ شد.

در سفر علی اکبر ولایتی به آذربایجان، رئیس جمهوری آن از ایران خواست از نفوذ خود در منطقه برای حل مناقشه‌ی قره‌باغ استفاده کند. معاون وزارت خارجه جمهوری آذربایجان با انتقاد از موضع ایران، خواستار تغییر در روابط آن با ارمنستان شد. جهت‌گیری جمهوری آذربایجان در مورد حضور ایران در حل و فصل مناقشه قره‌باغ یکنواخت نبوده است. در حالی که وزیر امور خارجه جمهوری آذربایجان از فرمول همکاری منطقه‌ای ایران استقبال کرده، حضور ایران را برای حل بحران قره‌باغ مغتنم می‌خواند (حیات‌نو، ۱۳۸۰/۴/۳۰: ۳)، مقام نزدیک دیگری به رئیس جمهور آذربایجان، مسأله قره‌باغ را در چارچوب سازمان امنیت و همکاری اروپا قابل حل دانست. درگیری آذربایجان و ارمنستان در مناطق آذری‌نشین ایران نیز بازتاب‌های جدی داشت. یک از مسایل قابل توجه در روابط سیاسی دو کشور، حساسیت شدید جمهوری آذربایجان نسبت به کمک یا همکاری نظامی احتمالی ایران و ارمنستان بوده است.

مسائل ارضی و مرزی

با وجود فرصت‌های ژئوپلیتیکی برای گسترش روابط ایران و جمهوری آذربایجان، دو کشور ادعاهایی در مورد تمامیت ارضی یکدیگر دارند. این‌گونه ادعاها بیشتر از سوی نیروهای جامعه مدنی دو کشور یا از سوی مقام‌ها کم اهمیت سیاسی ایران و آذربایجان مطرح شده است. «کمیته نجات آذربایجان» در مارس ۱۹۹۵ از رهبران جمهوری آذربایجان خواست به تقاضای شهروندان جمهوری آذربایجان برای پیوستن به ایران توجه داشته باشند. اندکی پس از آن، سخنران پیش از خطبه‌های نماز جمعه تبریز هم گفت: برادران و خواهران هم دین و هم مذهب ما برای رهایی از یوغ بیگانگان دست استمداد به‌سوی ما دراز کرده‌اند و این وظیفه‌ی ماست که به ندای آنان پاسخ مثبت دهیم. مردم این منطقه عزم راسخ برای بازگشت به ایران اسلامی را اتخاذ کرده‌اند و احدی نمی‌تواند و حق ندارد مانع این خواست مسلمانان

قفقاز و آران گردد (کیهان، ۱۳۷۵/۱/۲۶: ۳). رادیو باکو نیز درخواست مردم استان‌های آذربایجان شرقی و غربی و اردبیل در مورد بازگشت ۱۷ شهر قفقاز را، حرکتی پان ایرانیستی خواند (ابرار، ۱۳۷۵/۵/۲۷: ۱).

ابوالفضل ایلیچی بیگ، رئیس جمهور اسبق آذربایجان که شعار «آذربایجان واحد» را مطرح کرده بود، اعلام کرد تمامیت ارضی ایران را به رسمیت نمی‌شناسد (Abedin, 2004). جمعی از هنرمندان و نویسندگان آذربایجان هم با صدور بیانیه‌ای به سخنان ایلیچی بیگ و درخواست کمک مالی وی از آمریکا برای تجزیه ایران اعتراض کردند (جمهوری اسلامی، ۱۳۷۶/۱۱/۱۱: ۲). باگسترش بحث‌های مربوط به پیوستن آذربایجان به ایران و تجزیه استان‌های آذری ایران، سرانجام حیدرعلی‌اف گفت: ادعاهای مربوط به پیوستن مناطق آذری دوسوی رود ارس به همدیگر و ایجاد آذربایجان متحد یک ایده واهی و غیراصولی است (Allnutt, 2007). این ادعا در حالی مطرح می‌شود که ۳۰ میلیون نفر^۱ از جمعیت ۶۵ میلیونی ایران را آذری‌ها تشکیل می‌دهند و در مقابل جمعیت جمهوری آذربایجان ۸ میلیون نفر است (نوروز، ۱۳۸۰/۵/۱۴: ۶). ولی به زودی اعلام شد: در طرح روی جلد کتاب سال پنجم مدارس ابتدایی کشور آذربایجان، استان‌های آذربایجان شرقی و غربی، اردبیل، همدان، زنجان، قزوین و گیلان با نام جمهوری آذربایجان و به همراه پرچم این کشور چاپ شده است (رسالت، ۱۳۸۱/۱/۱۸: ۳). محمدمهدی عبدخدایی، دبیرکل جمعیت فداییان اسلام هم گفت، حتی موجودیت و استقلال کشورهای حاشیه دریای مازندران که به موجب قرارداد ترکمان‌چای از خاک کشور ما به زور جدا شده‌اند، محل سوال است و باید راهکاری اندیشید تا این مناطق به خاک ایران بازگردانده شوند (صدای عدالت، ۱۳۸۶/۲/۲۹: ۱۱). آکادمی علوم جمهوری آذربایجان هم اطلسی را منتشر کرد که در آن بخش‌هایی از ایران جزئی از خاک آذربایجان معرفی شده بود. شعارها و بحث‌های مشابه در هر دو سوی مرز شنیده شده است (Riaux, 2008, 45-58).

^۱ - این رقم در حدود ۱۷-۱۶ میلیون نفر برآورد شده است.

دریای کاسپین

دریای مازندران مهمترین موضوع اختلاف انگیز میان ایران و آذربایجان بوده است (Bandy, 1998: p.15). ایران در سال ۱۹۹۷ در نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل، نسبت به بهره‌برداری یک‌جانبه دولت آذربایجان از دریای کاسپین به شدت اعتراض کرد. در این نامه منابع معدنی در بستر و زیر بستر این دریاچه متعلق به همه دولت‌های ساحلی و ادعای مالکیت و بهره‌برداری یک‌جانبه از منابع دریای کاسپین مغایر با توافقات پیشین و رژیم حقوقی دریای کاسپین برآورد شد (اطلاعات، ۱۳۷۶/۸/۲۲: ۱۶). ایران همواره بر مفاد عهدنامه مودت بین ایران و شوروی مورخ ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ میلادی و قرارداد بازرگانی و کشتیرانی دو کشور مورخ ۲۵ مارس ۱۹۴۰ و ضمیمه‌های آن، به‌عنوان مبنای حقوقی موجود در دریای کاسپین اصرار ورزیده و هرگونه تقسیم‌بندی را که نشان‌دهنده مرز در این دریا باشد، رد کرده است. عبور خط لوله نفت یا گاز از بستر دریای کاسپین با توجه به زلزله‌خیز بودن این دریاچه و احتمال بروز فاجعه زیست محیطی، امکان وارد آمدن خسارت‌هایی جدی به اکوسیستم دریاچه کاسپین را شدت بخشیده است (Crandall, 2006: 46-52).

در ژوئن ۲۰۰۰ نیروهای مرزبانی جمهوری آذربایجان حدود دریایی کشورشان با ایران در منطقه‌ی آستارا را علامت‌گذاری کردند. در پی اطلاع دولت ایران از قصد شرکت نفت آذربایجان و برخی شرکت‌های نفتی خارجی، جهت انجام فعالیت‌های مطالعاتی و شناسایی در حوزه نفتی البرز، یادداشت اعتراض شدیدالحن ایران تسلیم این کشور شد (اطلاعات، ۱۳۸۰/۴/۳۱: ۱۶). سپس ناو جنگی ایران در دریای کاسپین، یک کشتی اکتشافی نفتی متعلق به آذربایجان را از منطقه البرز بیرون کرد. آمریکا به‌تندی از این اقدام ابراز نگرانی کرد (کیهان، ۱۳۸۰/۵/۶: ۴)، روسیه نیز نگرانی خود را از این حادثه اعلام کرد (ایران، ۱۳۸۰/۵/۱۱: ۱۶). در پی آن رئیس‌جمهور آذربایجان در دیدار با استیون مان، مشاور وزیر امور خارجه آمریکا، از موضع آمریکا در قبال سیاست نفتی باکو ابراز خشنودی کرد (BBC News, 2004). ترکیه نیز همسو با آمریکا، به تهران هشدار داد در صورتی که به جمهوری آذربایجان آسیبی برساند، آنکارا در کنار باکو

قرار خواهد گرفت (جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۵/۲۳: ۳). آمریکا حمایت از همه بازیگران منطقه دریای کاسپین را در برابر ایران، به گونه‌ای پایدار دنبال کرده است.

با وجود این اختلاف‌ها، دولت آذربایجان با توجه به ضرورت‌های ژئوپلیتیکی حفظ و بهبود رابطه با ایران، در مورد پرونده هسته‌ای ایران، موضعی جانبدارانه نسبت به جمهوری اسلامی ایران اتخاذ کرد. الهام علی‌اف در خرداد ۱۳۸۵ به بی.بی.سی گفت: موضع آذربایجان واضح و شفاف است. همه مسایل باید به‌طور دیپلماتیک و مسالمت‌آمیز حل و فصل شود. الهام علی‌اف با اشاره به اینکه هیچ مدرکی دال بر ساخت سلاح اتمی از سوی ایران وجود ندارد، در مورد صدور قطعنامه علیه ایران گفت: صدور این احکام نتیجه‌ای ندارد و این گونه اعمال برای منطقه خطرناک خواهد بود (اعتماد، ۱۳۸۵/۱۰/۱۳: ۷).

خبرگزاری فرانسه در سپتامبر ۲۰۰۲ از توافق مسکو و باکو جهت تعیین مرز دریایی خود در دریای کاسپین خبر داد، در حالی که ایران در واکنش نسبت به آن، قراردادهای دوجانبه را جایگزین رژیم حقوقی دریای کاسپین بر مبنای توافق ۵ کشور ساحلی ندانست (جمهوری اسلامی، ۱۳۸۱/۷/۲: ۳). اما در پی همسویی آذربایجان، روسیه و قزاقستان در مورد تعیین رژیم حقوقی دریای کاسپین، به تدریج موضع ایران نیز در این زمینه تغییر کرد. وزیر امور خارجه ایران در این مورد گفت: ما رژیم مشاع را بهترین رژیم برای دریای خزر می‌دانیم، اما اگر کشورهای دیگر بگویند که دریای خزر باید تقسیم شود، ما معتقدیم هم سطح دریا و هم زیربستر دریا باید تقسیم شود و یک رژیم حقوقی بر دریای خزر حاکم شود (ایرنا، ۱۳۸۱/۱۰/۱۴). به هر حال روسیه، آذربایجان و قزاقستان در ۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۲ توافقنامه‌ای را امضا کردند که به موجب آن سهم روسیه و آذربایجان از کاسپین هر کدام ۱۹ درصد و سهم قزاقستان ۲۹ درصد تعیین شد. در چارچوب این توافقنامه سه جانبه تنها ۳۳ درصد برای ایران و ترکمنستان باقی ماند (Blagov, 2002). با ادامه اختلافات ایران و آذربایجان در مورد تقسیم دریای کاسپین، وزیر امور خارجه آذربایجان با پشتوانه‌ی حمایت آمریکا، اصرار ایران بر چارچوب‌های حقوقی برآمده از رژیم حقوقی گفت: ایران خواهان تقسیم دریای خزر به پنج قسمت مساوی میان کشورهای ساحلی است، که اگر چنین باشد مرزهای ایران تا بندر باکو امتداد خواهد داشت (اعتماد، ۱۳۸۵/۹/۲۸: ۸).

ب- همکاری‌های اقتصادی

روابط اقتصادی ایران و آذربایجان در حوزه‌های نفت، گاز، برق، گمرک، بازرگانی، ارتباطات و حمل و نقل و عمران بوده است. ناطق علی اف، رئیس شرکت نفت آذربایجان در مهر ۱۳۷۴ از ایران دعوت کرد در طرح توسعه‌ی حوزه‌ی نفتی شاه‌دیز مشارکت کند (اطلاعات، ۱۳۷۴/۷/۲۰: ۴)، ولی ایران به دلیل لغو عضویت در کنسرسیوم قراردادی نفتی آذربایجان با شرکت‌های غربی، تمایل چندانی به مشارکت در طرح توسعه حوزه نفتی شاه‌دیز از خود نشان نداد. سرانجام ایران موافقت خود را با اصل مشارکت در کنسرسیوم حوزه شاه‌دیز اعلام کرد (Azerbaijan International, 1996). همکاری‌های نفتی ایران و آذربایجان در سال ۱۳۷۶ گسترش بیشتری یافت. جمهوری آذربایجان با واگذاری ۱۰ درصد از سهام قرارداد استخراج نفت از حوزه‌های لنکران، شاه‌دیز و تالش دیز در دریای کاسپین، به شرکت مهندسی و ساختمان صنایع نفت ایران موافقت کرد. برخورداری دولت آذربایجان از تجهیزات پیشرفته‌تر، از دلایل فعالیت گسترده آذربایجان در زمینه شناسایی منابع نفت و گاز در دریای کاسپین و همکاری ایران با آن برآورد شده است.

روابط ایران و آذربایجان در حوزه‌ی گاز بیشتر بر محور خط لوله گاز خوی- نخجوان متمرکز بوده است (Alexander's Gas and Oil Connections, 2002). دو کشور موافقت کردند ایران نخست سالانه ۲۵۰ میلیون متر مکعب و در سال‌های بعد، سالانه ۴۰۰ میلیون متر مکعب گاز به نخجوان صادر کند (اطلاعات، ۱۳۷۵/۶/۳: ۱۳). سپس اعلام شد ایران در مقابل دریافت گاز از میدان شاه دیز، گاز نخجوان را تأمین خواهد کرد، ولی به دلیل عدم توافق در مورد قیمت آن، گاز به نخجوان ارسال نشد (ایرنا، ۱۳۸۱/۲/۱۶: ۱۳۸۱). معاوضه‌ی گاز آذربایجان با ایران از ۲۰۰۵ آغاز شد (اطلاعات، ۱۳۸۴/۹/۲۸: ۴). آذربایجان از مزایای انتقال گاز ایران به گرجستان از خاک خود هم بهره‌مند می‌شود (Kreil, 1992: 6) با این حال نشریه حریت، چاپ باکو نوشت: ایران رقیبی جدی برای جمهوری آذربایجان به‌شمار می‌رود (ایرنا، ۱۳۸۴/۳/۳).

روابط ایران و جمهوری آذربایجان در زمینه برق، تا اواخر دهه ۱۹۹۰ تحت تأثیر مشکلات مالی این کشور قرار داشت. جمهوری آذربایجان در ۱۹۹۴ برای تأمین برق نخجوان ۱۹۳

میلیون کیلووات ساعت برق از ایران خرید، اما به علت ناتوانی در پرداخت بدهی خود به ایران، تصمیم گرفت در ازای واردات برق از ایران ۱۲۰ هزار تن گازوییل به ایران صادر کند (اطلاعات، ۱۳۷۴/۱/۱۶: ۴). اما صدور برق ایران به نخجوان به دلیل پرداخت نشدن بدهی‌های باکو قطع شد. این روند بارها تکرار شد. در سفر خاتمی به جمهوری آذربایجان، یادداشت تفاهم قرارداد مالی برای اجرای پروژه‌های برق میان ایران و این کشور به امضا رسید. در نوامبر ۲۰۰۶ ایران و جمهوری آذربایجان درباره احداث دو نیروگاه برق آبی روی رودخانه مرزی ارس به توافق رسیدند، تا دو کشور به‌طور برابر از آب رودخانه ارس استفاده کنند (اطلاعات، ۱۳۸۵/۹/۱۱: ۱۹).

ایران و جمهوری آذربایجان چندین تفاهم‌نامه گمرکی امضا کرده‌اند. نخستین تفاهم‌نامه در مارس ۱۹۹۴ امضا شد که درباره ایجاد تسهیلات لازم برای تردد مسافران و ترانزیت کالاهای تجاری، احتساب مرز بیل‌سوار به‌عنوان گمرک تجاری- مسافری، دایر بودن فعالیت در گمرک‌های مرزی دو کشور در تمام روزهای هفته، پذیرش کارکنان گمرک این کشور برای آموزش توسط اساتید گمرک ایران بود (اطلاعات، ۱۳۷۳/۱۲/۲۱: ۲). در دومین تفاهم‌نامه، دو کشور نسبت به هماهنگی ساعات کار گمرک مرزهای دو کشور اعلام آمادگی کردند (اطلاعات، ۱۳۷۵/۴/۳۰: ۴). در تفاهم‌نامه سوم در مورد ورود موقت ایرانیان مقیم جمهوری آذربایجان با خودروهای شخصی خود به ایران با کمترین تشریفات گمرکی توافق شد (اطلاعات، ۱۳۸۲/۵/۱۸: ۲). در چهارمین تفاهم‌نامه در مورد افزایش ساعات کار گمرک آستارا در دو طرف به ۱۶ ساعت در روز و نیز راه‌اندازی بازارچه مشترک آستارا- بیل‌سوار توافق شد (اطلاعات، ۱۳۷۸/۸/۶: ۴).

در خصوص روابط تجاری ایران و جمهوری آذربایجان، مهمترین نکته‌ی کاهش جایگاه ایران در میان شرکای تجاری این کشور در دو دهه اخیر بوده است. در نوامبر ۱۹۹۵ در مدت ۹ ماه، ایران با مبادله بیش از ۱۸۰ میلیون دلار کالا در رأس شرکای تجاری جمهوری آذربایجان قرار گرفت. در همان دوره روسیه و ترکیه دومین و سومین شریک تجاری جمهوری آذربایجان بودند. ایران در سال‌های ۹۵-۱۹۹۲ در رأس شرکای تجاری جمهوری آذربایجان قرار داشت (اطلاعات، ۱۳۷۴/۸/۹: ۴). در سال ۱۹۹۶ ایران با ۲۵۹ میلیون دلار و ترکیه و روسیه به ترتیب

با ۲۳۱ و ۲۳۰ میلیون دلار مبادله تجاری، در رأس شرکای تجاری جمهوری آذربایجان قرار داشتند. آن هنگام ایران بزرگ‌ترین واردکننده کالا از این کشور بود و ۳۶ درصد صادرات این جمهوری را به خود اختصاص داده بود. (اطلاعات، ۱۳۷۵/۱۰/۲۳: ۴). از ۱۹۹۷ مقام ایران در مبادلات خارجی جمهوری آذربایجان به رتبه دوم تنزل یافت. روسیه با ۱۸/۷ درصد، ایران با ۱۶/۷ درصد و ترکیه با ۱۴/۷ درصد بزرگ‌ترین شرکای تجاری جمهوری آذربایجان بودند (ابرار، ۱۳۷۶/۹/۸: ۴). در مارس ۲۰۰۳ این کشور به‌عنوان سومین شریک تجاری ایران معرفی شد.

احداث راه آهن قزوین-رشت-آستارا حلقه اتصال راهگذر شمال-جنوب را که یک راهگذر چندوجهی است، تکمیل می‌کند. با ساخت این خط آهن، شمال اروپا از مرزهای فنلاند، به سن پترزبورگ و مسکو و در ادامه از قلمرو جمهوری اسلامی ایران تا خلیج فارس متصل می‌شود. این خط ریلی نقش مهمی در ترانزیت کالا و جابجایی مسافر خواهد داشت (اطلاعات، ۱۳۸۳/۲/۳۰: ۴). ایران از عضویت جمهوری آذربایجان در راهگذر شمال-جنوب و آذربایجان نیز از عضویت ایران در راهگذر «تراسیکا» حمایت کرد (Eurasia Net, 2009).

پ- روابط فرهنگی

روابط فرهنگی ایران و جمهوری آذربایجان با وجود پیوندهای فرهنگی فراوان میان دو کشور گسترش نیافت. یکی از علل این وضعیت روابط سیاسی بی‌ثبات دو کشور است. از سال ۱۹۹۶ اتاق‌های ایران در دانشگاه‌های باکو و خواجه نصیرالدین طوسی جمهوری آذربایجان، اتاق (بخش) ایران در دانشکده خاورشناسی دانشگاه دولتی باکو و دانشکده ادبیات فارسی دانشگاه علوم تربیتی خواجه نصیرالدین طوسی آذربایجان با هدف گسترش روابط علمی و فرهنگی میان مراکز آموزش عالی ایران و آذربایجان و نیز کمک به مراکز آموزش زبان فارسی در این کشور افتتاح شد (اطلاعات، ۱۳۷۵/۲/۱۶: ۳). در نوامبر ۱۹۹۶ هم ۲۲ دانشجوی آذربایجانی برای ادامه تحصیل در دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین، در رشته‌های ادبیات، الهیات و پزشکی و حقوق به ایران اعزام شدند (ضمیمه اطلاعات، ۱۳۷۵/۸/۲۱: ۷). پخش تلویزیونی برنامه یک ساعته جمهوری اسلامی ایران، در ژوئن ۱۹۹۷، به دستور مقامات دولتی باکو قطع

شد. این برنامه اخبار جهان اسلام و گزارش‌هایی از ایران را در بر داشت و پخش آن نارضایتی آمریکا و اسرائیل را برانگیخت (ابرار، ۱۳۷۶/۴/۲۶: ۱۲). در سال ۱۹۹۵، ۳۰ روحانی از سوی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی برای تبلیغ احکام دینی عازم جمهوری آذربایجان شدند (اطلاعات، ۱۳۷۴/۱۱/۲۱: ۸). رهبران ارمنه ایران در نوامبر ۲۰۰۵ با انتشار بیانیه‌ای به اقدام دولت جمهوری آذربایجان در تخریب و نابودی صلیب‌ها و قبور ارمنه در جلفای قدیم اعتراض کردند (شرق، ۱۳۸۴/۹/۲۸: ۵).

هنگامی که حدود سیصد نفر از دانشجویان دانشگاه‌های تهران در آبان ۱۳۸۵ در اعتراض به اهانت نشریه جمهوری آذربایجان «صنعت» به پیامبر گرامی اسلام (ص)، در مقابل سفارت این کشور تجمع کردند (کیهان، ۱۳۸۵/۸/۳۰: ۳)، آیت‌الله فاضل لنکرانی در پاسخ به جمعی از مقلدان خود در جمهوری آذربایجان، عاملان توهین به پیامبر گرامی اسلام (ص) را واجب‌القتل دانست (جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۹/۷: ۴) به هر حال در جریان سفر خاتمی به جمهوری آذربایجان، موافقتنامه‌ای فرهنگی بین دو کشور به امضا رسید که بر اساس آن، ایران و جمهوری آذربایجان در مورد تهیه برنامه‌های مبادلات فرهنگی، برگزاری هفته‌های فرهنگی و هنری کتاب، فیلم، سینما، تبادل استاد و دانشجو، آموزش زبان فارسی و اعطای بورس تحصیلی توافق کردند (ایران، ۱۳۸۳/۵/۱۷: ۲).

۳- روابط ایران و گرجستان

قفقاز در کانون توجه قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی است (Demirag, 2006:104-106). نابسامانی سیاسی-امنیتی در گرجستان با حساسیت‌های ژئوپلیتیکی قومی-مذهبی در فدراسیون روسیه پیوند یافته است (Antonenko, 2006). با درک علایق مسکو در مرزهای جنوبی آن، یعنی جمهوری خودمختار آبخازیا و نیز، استان خودمختار اوستیای جنوبی، می‌توان دریافت که این دو منطقه برای روسیه به مثابه اهرم کنترل گرجستان در نزدیکی به غرب (ناتو) و ترکیه است. وجود نیروهای صلح‌بان روسی در جمهوری‌های جدایی‌طلب گرجستان و نیز پایگاه‌های نظامی روسیه در این کشور، دلایل احساس ناامنی گرجستان از روسیه است (CRS, 2005: 10). گرجستان اجازه‌ی استقرار نیروهای نظامی آمریکایی را در خاک خود داده است. تفلیس و

مسکو در چارچوب اعتمادسازی در فوریه ۲۰۰۵ موافقت کردند که در مدت چهار سال پایگاه‌های نظامی روس از باتومی و آخالکالاکی بر چیده شوند. رقابت ژئوپلیتیکی روسیه و آمریکا در قفقاز زمینه را برای شکل‌گیری تحولات جدی فراهم کرده است. توسعه ناتو به سوی شرق، رقابت‌های ژئوپلیتیکی دو بازیگر اصلی «بازی بزرگ جدید» در قفقاز را شدت بخشید. پیش از آن دو کشور کوشیده بودند در چارچوب برنامه مشارکت برای صلح^۱ این روند را در کنترل داشته باشند.

گرجستان در سیاست‌های ایران برای تأمین ثبات ژئوپلیتیکی در قفقاز اهمیت ویژه‌ای دارد. ایران و گرجستان چالش‌های ژئوپلیتیکی شبیه به هم دارند. هر دو کشور همسایه روسیه هستند. ایران از راه آبی و حوزه دریای کاسپین با روسیه همسایه است و گرجستان از راه خشکی و گذرگاه‌های کوهستانی قفقاز و نیز در حوزه دریای سیاه با روسیه هم مرز است. برای تهران و تفلیس این نکته مهم است که چگونه سیاست‌های منطقه‌ای خود را بایبگیری مناسبات خود با بازیگران فرا منطقه‌ای و بویژه آمریکا تنظیم کنند، به‌گونه‌ای که روابط دوستانه همسایگی با روسیه هم حفظ شود. با این حال در منافع تاکتیکی و میان مدت ایران و گرجستان دوگانگی پدیدار شده است. آمریکا پس از افغانستان و عراق، به آسیای مرکزی و قفقاز و بویژه گرجستان و حوزه دریای سیاه توجه بیشتری نشان داده است. این رویکرد آمریکا در ادامه توسعه ناتو به سوی شرق، زمینه همراهی سیاست‌های ایران با روسیه در برابر گرجستان را در پی داشته است.

آمریکا که پروژه ترویج دموکراسی در جمهوری‌های پیشین اتحاد شوروی را از گرجستان آغاز کرد، در پی آن است که با نزدیکی و پشتیبانی سیاسی از این کشور، به‌عنوان تونل انتقال انرژی خزر به سوی غرب، از آذربایجان در برابر ایران و روسیه پشتیبانی کند و مانع کنترل روسیه بر منابع انرژی حوزه خزر و تأثیرگذاری آن بر بازار انرژی جهان شود و ایران را نیز هرچه بیشتر در ترتیبات منطقه‌ای منزوی کند (میرحیدر و طاهری، ۱۳۸۰: ۷۹). این در حالی است که روسیه می‌خواهد با فشار بر دولت غرب‌گرای ساکاشویلی، زمینه قدرت گرفتن

^۱ - Partnership For Peace (PFP)

مخالفان را در گرجستان فراهم آورد. احساس خطر روسیه از نفوذ غرب و آمریکا در قفقاز برای ایران کمتر نیست. از این رو همکاری سیاسی-امنیتی گرجستان با اتحادیه اروپا و تا حدودی با آمریکا می‌تواند به موازنه در ژئوپلیتیک قدرت در این منطقه کمک کند. تهدید منافع ایران در خط لوله باکو-تفلیس-جیحان مشهود است، که در اساس برای تنوع در مسیرهای انتقال انرژی و انرژی ایران ساخته شد.

تفلیس، مرکز ایران شناسی و پایگاه آموزش زبان فارسی در اتحاد شوروی بود. در کنار پیوندهای فرهنگی گرجستان با ایران، بیش از نیم میلیون نفر در این کشور مسلمان هستند. اهل سنت در منطقه خودمختار آجاریا و شیعیان در شرق گرجستان زندگی می‌کنند، که کمی بیشتر از جمعیت اهل سنت در این کشور هستند. گرجستان در جمهوری خودمختار آبخازیا و استان خودمختار اوستیای جنوبی با دشواری‌های جدی مواجه شد. اهالی آبخازیا خواستار استقلال کامل و سکته اوستیای جنوبی هوادار پیوستن به فدراسیون روسیه (اوستیای شمالی) هستند. جنبشی که از سال ۱۹۸۹ در گرجستان آغاز شد، اقوام مختلف را در برابر هم قرار داد (Dolidze, 2006: 46) ولی همه می‌دانند مسیر اصلی این جریان‌ها تحت کنترل و هدایت مسکو است (Bigg, 2007). عدم تمایل گرجستان برای پیوستن به کشورهای مستقل مشترک المنافع، انگیزه دیگری برای بهره بردن روسیه از شرایط ایجاد شده در آبخازیا ارائه کرده بود. «انقلاب گل سرخ» در گرجستان که روی کارآمدن فردی هوادار و نزدیک به آمریکا را در پی داشت، در چارچوب رقابت آمریکا و روسیه قابل تحلیل است. جنگ اوستیا در تابستان ۲۰۰۸ اوج این رویارویی میان روسیه با گرجستان بود (ICG, 2008).

از سوی دیگر هر چند به نظر می‌رسید با حوادث ۱۱ سپتامبر و اشغال عراق و دسترسی به منابع نفت آن، اهمیت انرژی دریای کاسپین کاهش پیدا کند، ولی به‌زودی با افزایش شدید بهای نفت، منابع انرژی دریای خزر اهمیت خود را باز یافت. منطقه قفقاز در مسیر دسترسی اروپا به نفت و گاز دریای خزر قرار گرفته و انتقال انرژی از این منطقه در سال‌های گذشته مورد توجه بسیار بوده است. مزایای انتقال انرژی از هر یک از کشورهای منطقه سبب شد، پس از استقلال این کشورها تحولات گسترده و عمیق ژئوپلیتیکی شکل بگیرد. مسیر غربی از راه گرجستان- ترکیه با کمک بریتانیا و شرکت نفت انگلیس مورد حمایت کامل آمریکا قرار دارد.

مسیر انتقال انرژی از طریق گرجستان به بندر چیحان در کنار مدیترانه برای بسیاری از سرمایه‌گذاران بین‌المللی فاقد توجیه اقتصادی بود. ولی آمریکا و ترکیه تلاش بسیاری برای تثبیت این مسیر سازمان دادند. انتقال انرژی از خاک روسیه که به بندر نوروسیسک در کنار دریای سیاه منتهی می‌شد، در جریان انتقال به بازارهای جهانی و حرکت به سوی دریای مدیترانه مستلزم عبور از تنگه‌های بسفر و داردانل در ترکیه بود که با اشکال تراشی‌های گوناگون دولت ترکیه در برابر روسیه مواجه شد، که عمق و گستره رقابت‌های ژئوپلیتیکی را به خوبی روشن می‌سازد.

الف- روابط سیاسی

در مقایسه با جمهوری آذربایجان، گرجستان پس از استقلال، روابط گسترده‌ای با ایران نداشته است. نبود مرز مشترک میان ایران و گرجستان یکی از عوامل ژئوپلیتیکی در محدود بودن روابط این دو کشور بوده است. در فوریه ۱۹۹۲ در سفر ادوارد شوارد نادزه به ایران، بیانیه اصول همکاری‌های ایران و گرجستان به امضای روسای جمهور دو کشور رسید. در این بیانیه بر همکاری دو کشور در سطح منطقه‌ای و جهانی و نیز بر ایجاد روابط اقتصادی میان ایران و گرجستان در زمینه‌های گاز، حمل و نقل، تجارت و نیز ایجاد مقدمات ارتباط دریای سیاه و دریای خزر و خلیج فارس تأکید شد (اطلاعات ۱۳۷۱/۱۱/۳: ۱۴). روابط ایران و گرجستان از همان ابتدا، بیشتر رویکردی اقتصادی داشته و روابط فرهنگی دو کشور، چندان گسترده نبوده است.

روابط ایران و گرجستان همواره با حساسیت آمریکا و اسرائیل مواجه بوده است (Cornel 2003). سفیر آمریکا در گرجستان در سال ۱۳۸۵ در این مورد گفت: واشنگتن با برقراری روابط استراتژیک ایران و گرجستان مخالف است (آفتاب یزد، ۱۳۸۵/۹/۷). در زمستان ۲۰۰۰ حساسیت اسرائیل نسبت به روابط ایران و گرجستان به گونه‌ای آشکار مطرح شد. به دنبال انتشار خبر اعزام ۵۰ کارشناس گرجی برای تعمیر هواپیماهای ایران، دولت اسرائیل گرجستان را تهدید کرد در صورت صدور هواپیما به ایران، از ادامه همکاری خودداری خواهد کرد (سیاست روز، ۱۳۸۱/۱۱/۱۰: ۳). سپس شواردنادزه اعلام کرد کشورش قصد ندارد هواپیماهای سوخو

۲۵ خود را به ایران بفروشد (خراسان، ۱۶:۱۳۸۱/۱۰/۲۴). پس از وقوع «انقلاب گل سرخ» در گرجستان، ایران واکنشی تأییدآمیز اما با احتیاط در مورد آن نشان داد. سخنگوی وزارت خارجه ایران گفت: ایران از نقش مردم گرجستان در فرایندهای دموکراتیک آن کشور حمایت کرده و معتقد است که هیچ کشوری نباید در امور داخلی گرجستان دخالت کند. سیدمحمد خاتمی، رئیس جمهوری وقت هم در پیامی به میخائیل ساکاشویلی، انتخاب وی را به‌عنوان رئیس جمهور گرجستان تبریک گفت (شرق، ۱۳۸۲/۱۰/۲۲: ۵).

مواضع دولت گرجستان در قبال پرونده هسته‌ای ایران، از دیگر موارد با اهمیت در روابط سیاسی دو کشور است. وزیر امور خارجه گرجستان تأکید کرد کشور او از اقدام نظامی آمریکا علیه ایران حمایت نخواهد کرد، چرا که چنین رویدادی می‌تواند هزاران نفر از اتباع گرجی را که در ایران به سر می‌برند، به مخاطره اندازد. او شایعه‌ی اجازه‌ی تفلیس به واشنگتن جهت استفاده از خاک گرجستان برای حمله احتمالی به ایران را هم تکذیب کرد (شرق، ۱۳۸۴/۱۲/۹: ۵). دید و بازدید پیاپی رهبران و سیاستمداران برجسته دو کشور، گویای انگیزه‌ی آنها برای پیشبرد مناسبات همه‌جانبه و درک دوکشور از ظرفیت‌های بالا برای همکاری و همگرایی در عرصه‌های گوناگون است. دیدار شوارد نادره در سال ۱۹۹۴ از ایران و دیدار هاشمی رفسنجانی از گرجستان در سال ۱۹۹۵ آغازگر راهی هموار برای نزدیکی دو کشور بود.

جنگ اوت ۲۰۰۸ گرجستان، نمایشگر تلاش روسیه برای تحت کنترل نگه داشتن گرجستان از همگرایی با آمریکا و اروپا تعبیر شد (Fisher, 2008: 2-7). در همان حال رهبران روسیه، چه در دوران پوتین و چه پس از آن در دوره مدودف، به خوبی از نیازهای این کشور به همکاری و ارتباط سازنده با آمریکا و اروپا آگاهی داشته‌اند. اما آنها در پی احیای رویارویی‌های دوران جنگ سرد نیستند و پوتین بارها بر این مسأله تأکید کرده است. پوتین و مدودف سیاست «رقابت و همکاری» را هدف قرار داده‌اند. بر این اساس آنها می‌کوشند در روابط خود با غرب، دست خود را پر کنند و اهرم‌های بیشتری برای خود فراهم آورند. اعمال فشار بر دولت تفلیس از طریق شناسایی جدایی‌طلبان آبخازیا و اوستیای جنوبی در همین زمینه باید مورد توجه قرار گیرد (Alert Net, 2009). اما اگر در اجرای این سیاست، تصور شود حمایت از اقدام نظامی

روسیه در گرجستان می‌تواند، تغییر نگرش این کشور را در مساله هسته‌ای ایران به همراه آورد، با واقعیت‌های جاری در روسیه سازگاری ندارد.

از آغاز همکاری هسته‌ای روسیه با ایران مخالفت‌های بسیاری با این موضوع در روسیه وجود داشت. اما موافقان همواره به تحت کنترل و پاسخگو بودن ایران و پایبندی آن به مقررات بین‌المللی استناد کرده‌اند. در شرایط کنونی نیز، با در نظر گرفتن روند ارتباطی روسیه با اروپا و آمریکا و در نظر داشتن این مسأله که روسیه و غرب در مورد صدور قطعنامه درباره جنگ گرجستان به توافق نرسیدند، به نظر می‌رسد موضوع برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران مسئله متفاوتی است. روس‌ها در روابط خود با همه کشورها و از جمله ایران، نشان داده‌اند که تنها به تأمین منافع خود در چارچوب الزام‌های ژئوپلیتیکی به آنها می‌نگرند. بستن شیرهای گاز روی اوکراین و روسیه سفید، که متحدان پیشین این کشور در دوران اتحاد شوروی بوده‌اند، در این زمینه بسیار عبرت آموز است.

ب- همکاری‌های اقتصادی

صدور گاز ایران به گرجستان یکی از محورهای اصلی روابط اقتصادی دو کشور بوده، چراکه پس از فروپاشی شوروی، گرجستان در تأمین سوخت مصرفی خود با مشکلات فراوانی مواجه شد (Egjazarian, 2006). تلاش‌های گرجستان برای حل این مشکل، موجب شد در روابط اقتصادی ایران و گرجستان، صادرات گاز جایگاهی ویژه پیدا کند. در ژوئن ۱۹۹۲ در سفر نخست وزیر گرجستان به ایران، یادداشت تفاهمی در این زمینه میان دو کشور امضا شد (اطلاعات، ۱۳۷۱/۳/۲۷: ۳). تلویزیون مسکو خبر داد گرجستان در برابر تحویل مواد شیمیایی، مواد معدنی و سایر مواد خام به ایران، ۲۰۰ میلیارد متر مکعب گاز از ایران تحویل خواهد گرفت (اطلاعات، ۱۳۷۱/۱۱/۳: ۳). ناتوانی گرجستان در بازپرداخت دیون خود به ایران، مانع اصلی توسعه صادرات گاز ایران به گرجستان بوده است. این مشکل بویژه در دهه‌ی نخست استقلال گرجستان به‌گونه‌ای آشکار به چشم می‌خورد. مشکلات گرجستان در پرداخت دیون خود به ایران ادامه یافت. به دنبال سفر ساکاشویلی به تهران اعلام شد، این کشور مقدمات آغاز صدور گاز ایران را از ژانویه سال ۲۰۰۵ فراهم کرده است. وی هدف از این اقدام را تضمین

امنیت انرژی گرجستان و جلوگیری از وقوع هرگونه وضعیت فوق‌العاده در این کشور عنوان کرد و افزود: گرجستان در پی این است که آب معدنی خود را در عوض گاز به ایران صادر کند (Alexander's Gas & Oil Connections, 2004).

در ژوئن ۲۰۰۵ روزنامه «نزاویسیما گازتا» چاپ مسکو نوشت: روسیه مایل به وارد شدن ایران به صحنه گاز منطقه نیست و ... آمریکا هم نسبت به اجرای طرح خط لوله گاز ایران به گرجستان رویکردی منفی دارد (اطلاعات، ۱۳۸۳/۱۰/۴). ولی در فوریه همان سال اعلام شد: قرار است روزانه ۱ تا ۲ میلیون متر مکعب گاز به این کشور صادر شود (اطلاعات، ۱۳۸۴/۱۱/۸). با وجود مخالفت آمریکا با روابط ایران و گرجستان، مشکلات گرجستان در حوزه گاز سبب شد که رئیس پارلمان این کشور اعلام کند گرجستان به خاطر نیاز خود از ایران گاز می‌خرد، حتی اگر آمریکا با آن مخالفت کند. مشکلات گرجستان در حوزه گاز با افزایش چشمگیر قیمت گاز صادراتی روسیه به این کشور تشدید شد (Maltsef, ۲۰۰۶). با توجه به اینکه روسیه اعلام کرد از ابتدای ۲۰۰۷ قیمت گاز صادراتی خود به گرجستان را دو برابر خواهد کرد، اهمیت این همکاری روشن‌تر می‌شود (Ibrahimov, 2009).

بر اساس بر آورد ۲۰۰۵ (۱۳۸۴) حجم روابط تجاری دو کشور ۵۴ میلیون دلار بوده که سهم ایران حدود ۳۸ میلیون دلار و سهم گرجستان حدود ۱۵ میلیون دلار است. صدور ۳۰ میلیون متر مکعب گاز ایران به گرجستان در زمستان ۲۰۰۶، در پی صدور گاز روسیه به آن کشور که موجب قطع ۹۰ درصدی گاز این کشور و از کار افتادن نیروگاه‌های برق شد و گرجستان را با بحران سرما روبرو ساخت (Patsuria, 2008)، نمونه‌ای روشن از اهمیت ایران در روابط خارجی گرجستان است (Maltsef, 2006). استان گیلان در روابط اقتصادی با گرجستان مقام استان پیشرو را دارد. صادرات ایران به این کشور بیشتر شامل مواد غذایی، پوشاک، لوازم ساختمانی و بهداشتی، لوازم اداری و تجاری و آبگرمکن است. گرجستان هم ماشین‌آلات مکانیکی، انواع لوله و اتصالات، آلومینیوم و دیگ‌های بخار به ایران صادر می‌کند. یادداشت تفاهم اعطای کمک توسعه‌ای ۲/۵ میلیون دلاری ایران در سفر ژوئن ۲۰۰۴ ساکاشویلی به تهران امضاء شد. از موارد دیگری که در گسترش مبادلات تجاری اهمیت دارد توافقنامه جامع گمرکی و بازگشایی بانک‌های ایرانی و دفاتر بیمه در گرجستان است، که در سفر مدیرعامل

بانک توسعه صادرات به گرجستان در ۲۰۰۵ و در پی مذاکرات برای برقراری روابط کارگزاری بانکی میان بانک گرجستان و بانک سرمایه، صورت گرفت.

در جریان سفر ساکاشویلی به ایران یادداشت تفاهم «اساس روابط متقابل و اصول همکاری‌های دو کشور»، قرارداد بازرگانی، برنامه مبادلات فرهنگی، پروتکل الحاقی به قرارداد حمل و نقل هوایی، توافقنامه کمک توسعه‌ای جمهوری اسلامی به گرجستان امضا شد و پس از ۸ سال برای بازگشایی کمیسیون مشترک اقتصادی دو کشور توافق شد. در سفر عارف، معاون اول رئیس جمهور ایران به گرجستان در ۲۰۰۵ آمادگی بانک توسعه صادرات ایران برای پرداخت وام به تجار ایرانی جهت ایجاد مرکز تجاری ایران در گرجستان، مشروط به ارائه طرح توجیحی آنها اعلام شد. تشکیل کمیته‌های حمل و نقل، انرژی و شورای مشترک تجاری بین دو کشور از دیگر توافقاتها برای توسعه همکاری‌های اقتصادی بوده است.

پ- روابط فرهنگی

با توجه به پیوندهای تاریخی و روابط فرهنگی از دیرباز، دو کشور برای تشکیل اتاق‌های ایران در انستیتوی خاورشناسی و آسیا- آفریقا و دانشگاه تفلیس و کوتایسی و نیز تدوین فرهنگ گرجی- فارسی اقدام کردند. دانشگاه دولتی تفلیس دارای دو کرسی ایران شناسی و کرسی زبان فارسی است. در انستیتوی آسیا- آفریقا نیز ادبیات فارسی و تاریخ و فرهنگ ایران تدریس می‌شود. انستیتوی آسیا- آفریقا در تفلیس هر سال دانشجویان خارجی را برای تحصیل در مقطع دکترا در حوزه مطالعات ایران می‌پذیرد. انستیتوی آسیا- آفریقا در سال ۲۰۰۵ با همکاری دانشگاه سوربن فرانسه، کنفرانسی را در حوزه مطالعات ایران برگزار کرد. زبان فارسی در سطح آموزش دانشگاهی همچون در دانشگاه تربیت معلم تفلیس، دانشکده ادبیات دانشگاه کوتایسی، دانشکده فلسفه و الهیات دانشگاه علوم سیاسی تفلیس و نیز انستیتو نسخ خطی وابسته به آکادمی علوم گرجستان تدریس می‌شود. برخی از مدارس نیز در تفلیس زبان فارسی آموزش می‌دهند.

یکی دیگر از مراکز فرهنگی در تفلیس که ظرفیت مناسبی برای گسترش فرهنگ و زبان فارسی و پرورش اندیشه فلسفی و شیوه زندگی ایرانیان در جامعه گرجستان دارد، خانه قفقاز

است. ترجمه قرآن کریم و ترجمه اشعار فارسی از جمله فعالیت‌های بخش زبان‌های شرقی خانه‌ی قفقاز است. نگارش و ترجمه کتاب و نوشتارهایی پیرامون فرهنگ و شیوه زندگی ایرانیان، و نیز پیشرفت‌ها و توانایی‌های ایران امروز به زبان گرجی، نمایش فیلم‌های سینمایی و فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی به زبان گرجی یا با زیر نویس گرجی و همچنین فرستادن کارشناسان دانشگاهی در رشته‌های مختلف و پژوهشگران مطالعات منطقه‌ای برای بررسی فرصت‌ها و گفتگو با اهل فن و کارگزاران گرجی، سرمایه‌گذاری سنگین از سوی ایران نمی‌خواهد.

یافته‌های پژوهش

با توجه به مباحث مطرح شده، عوامل ژئوپلیتیکی، همکاری ج. ا. ایران و جمهوری‌های قفقاز جنوبی در زمینه‌های مختلف را الزامی ساخته است. محصور بودن این کشورها (به جز گرجستان) در خشکی، یک فرصت بی‌مانند ژئوپلیتیکی برای ایران فراهم آورده است. با این حال، تحت تأثیر رفتار بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای، همکاری مناسب میان ایران و این کشورها، به گونه‌ای یکسان گسترش نیافته است. در پرتو گسترش روزافزون روابط ارمنستان با روسیه، روابط ایران با این کشور از رشد پایدار برخوردار بوده است. روابط تجاری ایران با ارمنستان، با توجه به پیامدهای جنگ در قره‌باغ کوهستانی و محاصره‌ی آن به وسیله آذربایجان، به خوبی بهره‌گیری از فرصت‌های ژئوپلیتیکی را به نمایش می‌گذارد. آمریکا در شرایط پس از فروپاشی اتحاد شوروی، ایفای نقش مؤثر در منازعه آذری-ارمنی را مورد توجه بسیار قرار داده است. دگرگونی‌های اخیر در روابط ارمنستان با ترکیه را هم، می‌توان در چارچوب تلاش‌های ترکیه برای استفاده از ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی قفقاز، در جهت تأمین منافع این کشور ارزیابی کرد. روابط با ارمنستان هم با تأکید بر راه‌های ارتباطی قابل گسترش است و هم با توجه به اقلیت فعال ارمنی در ایران، در عرصه‌های اقتصادی و تجاری می‌تواند چشم‌اندازهای روشنی را فرا روی مردم دو کشور بگشاید، که الزام ژئوپلیتیکی حاکم بر روابط دو کشور را تبیین می‌کند.

روابط سودمند و سازنده با جمهوری آذربایجان و استفاده از ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی توسعه روابط همه‌جانبه ایران با این کشور، تحت تأثیر گرایش آن به سوی آمریکا برای مقابله با حمایت روسیه از ارمنستان در جنگ قره‌باغ، از گسترش مناسب و متوازن برخوردار نشده است. بر این اساس دو کشور هم در عرصه سیاسی و هم در عرصه‌های اقتصادی، ظرفیت‌های استفاده نشده‌ای را در اختیار دارند، که با توجه به الزام‌های یادشده در مسیر بهره‌مندی دوجانبه قادر به استفاده از آن هستند. ملاحظات شدید سیاسی و تأثیرپذیری جمهوری آذربایجان از ارتباط با آمریکا و اسرائیل و نیز روابط ایران با روسیه و ارمنستان، امکان توسعه روابط همه‌جانبه دو کشور را به شدت دچار اختلال کرده است. ایران و آذربایجان برای همکاری در حوزه انرژی از ظرفیت‌های استفاده نشده‌ای برخوردارند که بی توجهی به آن با از دست دادن فرصت‌های مناسب همراه بوده و خواهد بود.

چگونگی روابط ایران با گرجستان هم، که از پایگاه‌های اصلی اجرای پروژه دمکراتیک‌سازی از بیرون و برپایی انقلاب‌های رنگی است، تحت تأثیر رقابت‌های روسیه و آمریکا مشخص شده است. هر چند با در نظر داشتن واقعیت‌های ژئوپلیتیکی مزایای گسترش همکاری با ایران، فشارهای آمریکا و اسرائیل، تفلیس را از نزدیک شدن به تهران باز نداشته است. برای همه‌ی کشورهای قفقاز، همسایگی با ایران و منافع ناشی از وزن ژئوپلیتیکی آن در این منطقه، روندی از توسعه- هرچند نامتوازن- روابط در بر داشته است. بی‌تردید ایران می‌تواند همچنان با بهره‌گیری از فرصت‌های موجود، بازیگری فعال و مؤثر در معادلات قدرت در قفقاز باشد. روابط تهران و تفلیس نه تنها در عرصه‌های فرهنگی، بلکه اقتصادی و بویژه حوزه انرژی، در پرتو توجه به الزام‌های ژئوپلیتیکی، می‌تواند منافع دو کشور را ارتقاء بخشد.

نتیجه‌گیری

با توجه به ویژگی‌های ژئوپلیتیک منطقه و مسایل سیاسی و امنیتی آن، روابط با این کشورها می‌تواند عمیق‌تر و گسترده‌تر از تمرکز صرف بر مسیرهای ارتباطی و مسائل مربوط به انرژی باشد. اهمیت توسعه همکاری با این کشورها با توجه به جایگاه قفقاز برای منافع و امنیت ملی ایران پس از فروپاشی اتحاد شوروی روشن‌تر می‌شود. این منطقه به دلیل موقعیت استراتژیک

خود همواره مورد توجه ایران بوده است. به همین دلیل پس از فروپاشی شوروی، ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای مهم با توجه به ظرفیت‌های ژئوپلیتیک خود در این منطقه، نیازمند یک سیاست خارجی فعال و همکاری روز افزون با همسایگان شمالی خود بوده است. رقابت‌های ژئوپلیتیکی در قفقاز، با توجه به امتیازها و فرصت‌های ایران در این منطقه، سبب بروز فراز و نشیب در روابط ایران با این کشورها بوده است.

یکی از راهبردهای عملی تحقق حضور و نفوذ ایران در قفقاز، همکاری‌های اقتصادی و ایجاد پیوندهای اقتصادی با این جمهوری‌ها بوده است. این کشورها که موقعیت ژئوپلیتیکی مهمی دارند، بر امنیت ملی و منافع ایران بسیار تأثیرگذارند. بنابراین اهمیت سیاسی، امنیتی و اقتصادی قفقاز برای ایران از یک سو و نقش توسعه‌ی همکاری‌های همه‌جانبه با کشورهای قفقاز جنوبی از سوی دیگر ضرورت ایفای نقش فعال ایران در منطقه قفقاز را به خوبی روشن می‌سازد. توسعه‌نیافتگی اقتصادی این کشورها می‌تواند آثار زیانباری برای امنیت و اقتصاد ایران داشته باشد. موفقیت در برقراری روابط اقتصادی دوجانبه و منطقه‌ای با کشورهای قفقاز جنوبی، علاوه بر جلوگیری از انزوای ایران، مانع از شکل‌گیری دسته‌بندی‌های متخاصم در همسایگی ایران می‌شود. نفوذ اقتصادی ایران در این منطقه سبب احیای موقعیت جغرافیایی - اقتصادی ایران به‌عنوان گذرگاه شمال - جنوب و شرق - غرب برای اتصال اروپا، خاورمیانه، آسیای غربی و شرقی به یکدیگر می‌شود.

بهبود وضعیت اقتصادی کشورهای منطقه در پی همکاری‌های اقتصادی با ایران، سبب کاهش بی‌ثباتی و اعتراض‌های مردمی و به خطر افتادن مشروعیت دولت‌های این منطقه می‌شود. یکی از منافع امنیتی و سیاسی همکاری‌های اقتصادی با جمهوری‌های قفقاز جنوبی، مقابله با سیاست مهار آمریکا برای جلوگیری از ایفای نقش ایران در منطقه است. از سوی دیگر توسعه روابط تجاری ایران با این کشورها می‌تواند موجب ایجاد اشتغال برای شهروندان ایرانی بویژه مرزنشینان شود. ایجاد بازارچه‌های مرزی هم می‌تواند ضمن جلوگیری از تأثیرهای منفی حضور و نفوذ کشورهای خارجی، سبب ایجاد اشتغال و درآمدزایی در مناطق مرزی شود و از مهاجرت مردم این مناطق جلوگیری کند. این کشورها توانمندی‌های بسیار برای جلب سرمایه دارند. با توجه به پیوندهای فرهنگی و تاریخی و اهمیت همسایگان در سیاست خارجی ایران،

ظرفیت‌های مناسبی برای همکاری‌های دوجانبه وجود دارد. توسعه همکاری‌های استانی، تقویت و تشویق فعالیت‌های بخش خصوصی، پیگیری اجرایی شدن طرح‌ها و موافقتنامه‌هایی که به امضای طرفین رسیده، در تأمین منافع ایران تأثیر مستقیم خواهد داشت.

همکاری‌های فرهنگی با کشورهای قفقاز جنوبی، با وجود اینکه بسترهای مناسب تاریخی و فرهنگی شرایط آن را فراهم آورده است، از توسعه قابل قبول برخوردار نبوده است. میراث فرهنگ ایرانی-اسلامی در سراسر این منطقه، که در طول قرون متمادی بخشی از ایران را تشکیل می‌داد، زمینه مناسبی را برای اشکال گوناگون همکاری‌های فرهنگی ارائه کرده است. با در نظر گرفتن آثار جهانی شدن فرهنگ در این منطقه از جهان، این‌گونه همکاری‌ها به بازتولید میراث ارزشمند فرهنگی و انسجام منطقه‌ای یاری می‌رساند.

قدردانی

این مقاله بخشی از نتایج یک طرح پژوهشی است که با حمایت معاونت پژوهشی دانشگاه تهران و اعتبار ویژه اساتید در دانشگاه تهران به اجرا در آمده است که بدین وسیله از معاونت پژوهشی دانشگاه تهران قدر دانی به عمل می‌آید.

منابع

۱. اعظمی، هادی (۱۳۸۵)؛ مجموعه مقالات دومین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران، تهران، انجمن ژئوپلیتیک،
۲. امیر احمدیان، بهرام (۱۳۸۸)؛ «بررسی علل و پیامدهای حضور ایالات متحده آمریکا در قفقاز»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ۵، شماره ۲.
۳. امیراحمدیان، بهرام (۱۳۸۱)؛ جغرافیای کامل قفقاز، انتشارات سازمان جغرافیایی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح.
۴. بشیر، حسن (۱۳۸۶)؛ جمهوری اسلامی ایران و مدل‌های تعاملی همگرا در روابط فرهنگی و سیاسی مردمی و دولتی در داخل و خارج مرزها، در مجموعه مقالات همایش ارتباطات بین فرهنگی و سیاست خارجی، رویکردی ایرانی، دانشگاه تهران.
۵. حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۳)؛ افقهای جدید در جغرافیای سیاسی، تهران: سمت.
۶. حافظ نیا، محمد رض (۱۳۸۱)؛ جغرافیای سیاسی ایران، تهران: سمت.
۷. کولایی، الهه (۱۳۷۴)؛ الگوی رفتاری روسیه در گرجستان، تغییر یا تداوم؟ راهبرد، شماره ۵.
۸. کولایی، الهه (۱۳۷۶)؛ پیامدهای ژئوپلیتیکی بهره‌برداری از نفت دریای خزر، راهبرد، شماره ۱۳، بهار.
۹. کولایی، الهه (۱۳۸۴)؛ افسانه انقلاب‌های رنگی، تهران: ابرار معاصر.
۱۰. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۹)؛ ایده‌های ژئوپلیتیک و واقعیت‌های ایرانی، تهران: نشر نی.
۱۱. میرحیدر، دره و صفت الله طاهری شمیرانی (۱۳۷۸)؛ ژئوپلیتیک دریای خزر، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۲۷، پاییز.
۱۲. آفتاب یزد، ۱۳۸۵/۲/۷: ۱۱، ۱۳۸۵/۹/۷.
۱۳. اطلاعات، ۱۳۷۰/۱۱/۲۰: ۳، ۱۳۷۱/۳/۲۷: ۳، ۱۳۷۱/۱۱/۳: ۱۴، ۱۳۷۲/۶/۱۶: ۳، ۱۳۷۳/۱۱/۱۱: ۲، ۱۳۷۳/۱۲/۱۴: ۱۶، ۱۳۷۳/۱۲/۲۱: ۲، ۱۳۷۴/۱/۱۶: ۴، ۱۳۷۴/۱/۲۱: ۴، ۱۳۷۴/۷/۲۰: ۴، ۱۳۷۴/۸/۹: ۴، ۱۳۷۴/۱۰/۲۰: ۳، ۱۳۷۴/۱۱/۲۱: ۸، ۱۳۷۵/۴/۳۰: ۴، ۱۳۷۵/۶/۳: ۱۳، ضمیمه ۱۳۷۵/۸/۲۱: ۷، ۱۳۷۵/۹/۱۵: ۲، ۱۳۷۵/۱۰/۲۳: ۴، ۱۳۷۶/۵/۲۲: ۴، ۱۳۷۶/۸/۲۲: ۱۶، ۱۳۷۷/۵/۲۴: ۴، ۱۳۷۷/۷/۱۶: ۴، ۱۳۷۸/۸/۶: ۴، ۱۳۸۱/۴/۳۱: ۱۶، ۱۳۸۱/۹/۲۱: ۲، ۱۳۸۲/۱/۲۵: ۱۹، ۱۳۸۲/۵/۱۸: ۲، ۱۳۸۳/۲/۳۰: ۴، ۱۳۸۳/۴/۲: ۱۳۸۳/۱۰/۴، ۱۳۸۴/۶/۲۰: ۴، ۱۳۸۴/۱۱/۸: ۱۳۸۵/۹/۱۱: ۱۹.
۱۴. ابرار، ۱۳۷۵/۵/۲۷: ۱، ۱۳۷۶/۱/۱۷: ۴، ۱۳۷۶/۴/۲۶: ۱۲، ۱۳۷۶/۷/۱۴: ۱۲، ۱۳۷۶/۹/۸: ۴.
۱۵. اعتماد، ۱۳۸۵/۹/۲۸: ۸، ۱۳۸۵/۱۰/۱۳: ۷.
۱۶. ایران، ۱۳۸۰/۵/۱۱: ۱۶، ایران، ۱۳۸۳/۵/۱۷: ۲.
۱۷. جمهوری اسلامی، ۱۳۷۶/۱۱/۱۱: ۲، ۱۳۸۰/۵/۲۳: ۳، ۱۳۸۱/۷/۲: ۳، ۱۳۸۵/۹/۷: ۴.
۱۸. حیات نو، ۱۳۸۰/۴/۳۰: ۳.
۱۹. خراسان خراسان، ۱۳۸۱/۱۰/۲۴: ۱۶.

۲۰. رسالت، ۱۳۸۱/۱/۱۸، ۳.
۲۱. سیاست روز، ۱۳۸۱/۱/۱۰، ۳.
۲۲. شرق، ۱۳۸۲/۱۰/۲۲، ۵؛ ۱۳۸۴/۸/۱۶، ۱۳۸۴/۹/۲۸، ۵؛ ۱۳۸۴/۱۱/۱۲، ۴؛ ۱۳۸۴/۱۲/۹، ۵.
۲۳. صدای عدالت، ۱۳۸۶/۲/۲۹، ۱۱.
۲۴. کیهان، ۱۳۷۵/۱/۲۶، ۳؛ ۱۳۸۰/۵/۶، ۴؛ ۱۳۸۵/۸/۳۰، ۳.
۲۵. مردمسالاری، ۱۳۸۳/۸/۱۳، ۱۶.
۲۶. نوروز، ۱۳۸۰/۵/۱۴، ۶؛ ۱۳۸۱/۲/۲۹، ۶.
۲۷. همشهری، ۱۳۸۳/۶/۱۹، ۱۲.
۲۸. خبرگزاری ایرنا، ۱۳۸۱/۲/۱۶، ۱۳۸۱/۱۰/۱۴، ۱۳۸۴/۳/۳.
29. Abedin, Mahan(2009); "Iran at Sea over Azerbaijan", Asia Times on line, Sep.28 2004:
http://www.atimes.com/atimes/Middle_East/FI28Ak01.html.
30. Allnutt, Luke(2009); "Iran/Azerbaijan: Faith, Oil, and Power Threaten Historic Brotherhood", Eurasia Net, 12/30/07: <http://www.eurasianet.org/departments/insight/articles/pp123007.shtml>.
31. Oksana Antonenko (2006); "Promotion Stability Democratizing in our Neighborhood: What Role for the EU in Southern Caucasus?" European Parliament: 8-9.
32. Athanasiadis, Lason (2009); "Foreign Plots and Cockroaches in Iran", Asia Times, June 8 2006 http://www.atimes.com/atimes/Middle_East/HF08Ak02.html.
33. Aras(2002); B, the Geopolitics of Eurasia and Turkey, London: Frank Cass Publications.
34. "Armenia Foreign Minister: Iran Atomic Plans Peaceful", 27 Feb. 2008, Press TV:
<http://www.presstv.ir/detail.aspx?id=44852§ionid=351020104> (26 Nov. 2009)
35. "Azerbaijan Casts Doubts on Armenia- Turkey Border Opening", Hurreit(2009); Daily News (Istanbul).
<http://www.hurriyetdailynews.com/n.php?n=azerbaijan-casts-doubts-on-armenia-turkey-border-opening-2009-09-01>.
36. "Azerbaijan, Iran and Russia to Set up Railway Company", Eurasia Net <http://www.eurasianet.org/departments/news/articles/eav032509c.shtml> (2010)
37. "Azerbaijan Protests over Iranian Ship Interception", BBC News, 24 July 2004:
http://news.bbc.co.uk/1/hi/english/world/asia-pacific/newsid_145000/1454526 (2009)
38. Baser, Bahar, "Third Party Mediation in Nagorno Karabakh: Part of the Cure or of Disease", the Journal of Turkish Weekly, 2009.
<http://www.turkishweekly.net/article/320/third-party-mediation-in-nagorno-karabakh-part-of-the-cure-or-part-of-the-disease.html>.
39. Bandy, C. W., "the Caucasus Region and Caspian Basin: Change Competition and Challenge", Conflict Studies Research, 1998, No. 36, pp.1- 28.
40. Barzegar, Kayhan, "Twelve Years after the Disintegration of the Soviet Union: A Conceptual Framework for the Analysis of the Issues of Iran, Central Asia and the Caucasus, Discourse, Vol. 5, No.1, Summer 2003, pp.1-30.
41. Behrooz, Maziar, "Iran's Response to the Rise of Nationalism in Caucasus (1988-1993)", the ECO of Iran, No. 72, pp. 20- 27.
42. Blagov, Sergei, "Kazakhstan Pushes for Trilateral Caspian Deal", Asia Times, Oct. 10 2002, http://www.bc.edu/schools/law/lawreviews/meta-elements/journals/bciclr/27_1/03_FTN.htm (25 Nov. 2009).

43. Bigg, Clail, "Moscow: Is Moscow Behind Georgian Unrest", Radio Free Europe, 14 Nov. 2007: <http://www.rferl.org/content/article/1079133.html> (19 Jan.2010)
44. Cornell, Svante E., "Iran and the Caucasus", Middle East Policy, Vol. 5, No.4, January 1998, pp.51-67.
45. Cornell, Svante E., Regional Politics in Central Asia: The Changing Role of Iran, Turkey, Pakistan and China, New Delhi, SAPRA Foundation, March, 2003.
46. Crandall, Maureen S., Energy, Economics, and Politics in the Caspian Region, Westport: Praeger, 2006.
47. Dolidze, Valerian, "Power, Revolution, and Business in Post- Revolutionary Georgia", Central Asia and the Caucasus, Vol. 38, No. 2, 2006, pp. 45- 51.
48. Demirrag, Yelda," Prospects for the Development of Peace and Stability in the Southern Caucasus", Central Asia and the Caucasus, Vol. 40, No. 4, 2006, pp. 98- 106.
49. "EIA Country Analysis: Azerbaijan", Alexander's Gas and Oil Connections, Vol. 7, No. 14, July 2002: <http://www.gasandoil.com/goc/news/ntc22868.htm> (25 Nov.2009).
50. Energy Information Administration, Caspian Sea Region: Natural Gas Export Options, July 2002, www.eia.doe.gov/emeu/cabs/caspgase.html (19 Jan. 2010).
51. Fayyazmanesh, Sasan "The Politics of the US Economic Sanctions against Iran", Review of Radical Political Economics: <http://llrp.sagepub.com> (30 Oct. 2009).
52. Fisher, Sabine, "European Policy towards the Southern Caucasus after the Georgia Crisis", Caucasus Analytical Digest, No. 1, 17 Dec. 2008, pp. 2- 7.
53. "Georgis, Abkhazia, S. Ossetia", 22 July 2009, Alert Net: http://www.alertnet.org/db/crisisprofiles/GG_OSS.htm?v=in_detail (2 Nov. 2009).
54. "Georgia Agrees to Buy Iranian Gas", Alexander's Gas& Oil Connections, News and Trends CIS/ Russia, Vol. 9, No.15, 4 Aug. 2004: <http://www.gasandoil.com/goc/new/ntr43133.htm> (13 Nov.2009).
55. Huntington, S. P, the Clash of Civilizations; Remaking of World Order, New York: Touchstone, 1996.
56. Ibrahimov, Ruslam, "2009: Russian Gas Policy - First Step Taken", International Strategic Research Organization, Journal of Turkish Daily: <http://www.usak.org.tr/EN/makale.asp?id=840>.
57. ICG, Russia VS Georgia: the Fallout, Europe Report, 22 August 2008.
58. Kandiyoti, Rafael, "What Price Access to the Open Seas? The Geopolitics of Oil and Gas Transmission from the Trans- Caspian Republics", Central Asian Survey, Vol. 27, No. 1, March 2008, pp. 75-93.
59. Kreil, Erik, "Iran, Central Asia and the Caucasus, Energy Prospects", Geopolitics of Energy, Vol. 14, No. 11, 1992.
60. Lasha Tchantoudze, "The Three Colors of War: Russian, Turkish, and Iranian Military Threat to the South Caucasus, Caucasian Review of International Affairs, Vol.2, No.1, Winter 2008.
61. Laitin, D.D. & R.G. Suny, "Thinking a Way Out of Karabakh", Journal of Middle East Policy, Vol. 3, No.1, October 1999.
62. Lowe, Robert and Claire Spencer, A Middle East Program Report, "Iran, its Neighbors and the Regional Crises", Chatham House, 26 July 2006.
63. Lounev, Sergey, "Central Asia and the Southern Caucasus Geopolitical Value for Russia," Central Asia and the Caucasus, Vol. 39, No.3, 2006, pp.14-24.
64. Mardiros H. Anankian, "Armenian Mythology" in: The Mythology of all Races", Vol. V11, New York, 1925: <http://rbedrosian.com/anank.html>.

65. Nelan, Bruce, "Caspian Black Gold", Time International, 29 June 1998, pp.23-31.
66. Nichol, Jim, "Armenia, Azerbaijan, and Georgia: Political Developments and Implications for U.S. Interests", U.S.A. Congressional Research Service, June 15, 2005.
67. Patsuria, Nino, "Georgia: Is Natural Gas the New Weapon in the Conflict between Tbilisi and Moscow?", Eurasia Net, 14 Nov. 2008, <http://www.eurasianet.org/departments/insightb/articles/eav111408b.shtml> (14 Nov.2008)
68. Riaux, Gilles, "the Formative Years of Azerbaijan Nationalism in Post- Revolutionary Iran", Central Asian Survey, Vol. 27, No.1, March 2008, pp. 45- 58.
69. "Russia Rejects Plans to Expand Chevron- Led Caspian Sea Pipeline", Global Research, No. 14 (2006) <http://www.globalresearch.ca/index.php?context=va&aid=3846> (13 Nov. 2009).
70. Shah Deniz Signed, Third Major Contact in Caspian", Azerbaijan International, autumn 1996, Vol. 4, No.3, p. 35: http://azer.com/aiweb/categories/magazine/43_folder/43_articles/43_shah.html (25 Nov.2009)
71. Sadegh- Zadeh, Kaweh, "Iran's Strategy in the South Caucasus", Caucasus Review of International Affairs, Vol. 2, No.1, winter 2008, pp. 35- 41.
72. Shahnazaryan, David, "The South Caucasus: Problems of Actability and Regional Security", Demokratizatsiya, Vol. 14, No. 3, Summer 2006.
73. Simao, Licinia & Maria Raquel Freire, "the EU's Neighborhoods Policy and the South Caucasus", CRIA, Vol. 2, Summer 2008.
74. Williamson, Roger, "South Caucasus: Perceptions and Challenges of the Region", London: Wilton Park, 2006.
- Russian Sources:
75. Egiazarian, Ashor, Rol Prirodnava Gaza v Energetike Gruzii. <http://compatriot.su/news/32100.htm> 25.10.2006 (12 Nov. 2009).
- Krasinskaya, Anastasia, iranski gaz idiot v Armeniu, 20.03.2007. <http://www.oilru.com/news/42560/oilru.com> (13 Nov. 2009).
- Panfilova, Viktoria, 2006 Armenia Povernolas k Irany. www.ng.ru/economics/2006-01-18/3_armenia.html (12 Nov. 2009).
76. Maltsef, E.B, Irano-gruzinski Gazaprovod kak Faktor Globalnoi Energeticheskii Ctrategii Tigirana, 2006, <http://www.iimes.ru/rus/stat/2006/03-02-06.htm> (13 Nov. 2009).
77. Uonosov, Arif, Azerbaijan mejdu Amerikai i iranam, © "Rasia v galobalnai palitike", No. 3, Mai-iun 2006 <http://www.globalaffairs.ru/numbers/20/5789.html> (12 Nov. 2009).
78. Vartanian, A.M., Energeticheskaya Diplomati Tigirana v zakafkazkam rigione, 2005 <http://www.iimes.ru/rus/stat/2005/17-10-05.htm> (12 Nov. 2009).